

سازمان بهزیستی کل کشور

اداره کل بهزیستی استان اردبیل

گزارش نهایی طرح تحقیقاتی

بررسی علل شیوع کودک همسری و راهکارهای مقابله با

آن در استان اردبیل

مجری طرح:

دکتر اسماعیل صدری دمیرچی

(دانشیار گروه مشاوره-دانشگاه محقق اردبیلی)

همکاران طرح:

داود فتحی

سیدجواد سیفی

1398

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تشکر و قدردانی:

سپاس بی‌کران پروردگار یکتا را که هستی‌مان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه‌چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت و سلام و درود بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم‌آنان که وجودمان وامدار وجودشان است؛ و نفرین پیوسته بر دشمنان ایشان تا روز رستاخیز.

بدین‌وسیله از مسئولان اداره کل بهزیستی استان اردبیل که در این پژوهش یاری‌گر ما بودند ، سپاسگزاری می‌نماییم.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی علل کودک همسری و راهکارهای مقابله با آن انجام گرفت. روش پژوهش آمیخته بود که در بخش کیفی از روش دلفی و در بخش کمی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل تمامی متخصصان در حوزه خانواده و جامعه شناسی در سال 1398 بود که نمونه پژوهش در بخش کمی 46 نفر از متخصصان و در بخش کیفی 10 متخصص به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش را پرسشنامه محقق ساخته علل کودک همسری و راهکارهای مقابله با کودک همسری تشکیل دادند. نتایج پژوهش نشان داد که نتایج به روش کمی و کیفی به استخراج هفت عامل قانونی،

فرهنگی- قومی ، اقتصادی، مذهبی- اعتقادی، علل آگاهی و سواد عمومی، علل خانوادگی و اجتماعی منجر شد. در بخش کیفی مدل دلفی نهایی متشکل از هفت بعد عنوان شده برای علل و راهکارهای مقابله با کودک همسری انجامید که برون داد آن ساخت دو پرسشنامه علل کودک همسری و راهکارهای مقابله با کودک همسری بود.

کلیدواژه‌ها: علل کودک همسری، راهکارهای مقابله کودک همسری .

فهرست مطالب

فهرست مطالب

چکیده فصل اول: کلیات تحقیق

فصل اول: کلیات تحقیق

- 1-1 بیان مسئله: 2
- 1-2 اهمیت و ضرورت انجام تحقیق: 4
- 1-3 اهداف تحقیق: 6
- 1-4 فرضیات تحقیق: 6
- 1-5 تعاریف پژوهش 6
- 1-5-1 تعاریف نظری پژوهش 7
- 1-5-2 تعاریف عملیاتی پژوهش 7

فصل دوم: مبانی نظری و ادبیات تحقیق

- 2-1 مقدمه 9
- 2-2 ازدواج 9
- 2-2-2 نظریه های مربوط به ازدواج 9
- 3-2 عوامل مؤثر بر ازدواج 10
- 4-2 مفهوم خانواده 15
- 5-2 کودک همسری 20
- 6-2 تحول و دگرگونی خانواده و ازدواج در ایران 22
- 7-2 نظریه های خانواده 27
- 8-2 پیشینه پژوهشی 29

فصل سوم: روش پژوهش

- 3-1 روش و طرح تحقیق 37
- 3-2 جامعه آماری پژوهش 39
- 3-3 روش نمونه گیری و حجم نمونه 40
- 3-4 ابزار گردآوری داده ها 41
- 3-5 روش تجزیه و تحلیل 42

فصل چهارم: یافته های پژوهش

- 4-1 مقدمه 44
- 4-2 آمار توصیفی و متغیرهای پژوهش 45
- 4-4 آمار استنباطی 47

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

- 5- نتیجه گیری و تحلیل 53

57.....	5-5 پیشنهادت کاربردى
57.....	5-6 پیشنهادت پژوهشیه
58.....	منابع پژوهش
63.....	پیوست
64.....	پرسشنامه

فصل اوّل:

کلیات پژوهش

1-1- بیان مسئله

تحولات قرن اخیر ازدواج و تشکیل خانواده مهم‌ترین و عالی‌ترین نهاد اجتماعی برای ارضاء نیازهای زیستی و عاطفی انسان است و به عنوان امری بهنجار و شخصی تعریف شده که در دوره بزرگسالی اول (جوانی) انجام می‌گیرد (کوردک^۱، 2008). از نظر وارینگ^۱ (2013) ازدواج منشاء ایجاد چرخه زندگی خانوادگی است. رابطه زناشویی چیزی بیشتر و مقاوم‌تر از یک رابطه معمولی ساده و دوستانه بین دو نفر با توانایی‌ها، استعدادها، نیازها، اعتقادات و باورهای گوناگون می‌باشد. در این رابطه زناشویی دو شخصیت هدفمند وجود دارد که در صدد کلیت یافتن و یکی شدن هستند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، 2002؛ ترجمه حسین شاهی براتی و همکاران، 1387). در یک رابطه زناشویی بهنجار، فرآیند تحول روانی زن و شوهر و چرخه تحول خانواده بوسیله تعاملات سازنده همسران گسترش می‌یابد و هنجارهای اجتماعی به آن عمومیت می‌بخشد (سیونیک، سیل گاریپ^۱، 2016). اما معمولاً عوامل گوناگون فردی، اجتماعی، عاطفی و روانشناختی پایداری و انسجام این نهاد دیرینه و سازنده اجتماعی را تضعیف می‌کنند (آماتو، ماریوت^۱، 2016). این نهاد دیرینه اجتماعی همواره در معرض تهدید عارضه‌ای به نام طلاق قرار داشته است. طلاق یک فرآیند تحول روانی دارد که دوره تصمیم‌گیری پیش از طلاق یکی از مهمترین دوره‌های آن است. در خلال این دوره زن و شوهر یا یکی از آنها از روابط موجود ناراضی است و برای طلاق در آینده دست به رویاپردازی و برنامه‌ریزی می‌زند بدون آن که موضوع را با همسر خود در میان گذارد در طول این دوره زن و شوهر با طلاق عاطفی مواجه هستند (بیات، 1392). در مورد علل طلاق، نظریه‌پردازان حوزه درمانی دیدگاه‌های گوناگونی را مطرح نموده‌اند. دیدگاه انتقال بین‌نسلی، پدیده طلاق را نتیجه تعارضات حل‌نشده خانوادگی و شخصی اولیه زوجین می‌داند. دیدگاه روانپویایی هم ریشه اکثر مشکلات زناشویی را نتیجه تعارضات حل‌نشده دوران کودکی زوجین می‌داند (هاروی، 2011). گلیک^۱ (2003) هم در دیدگاه تحولی خانواده رابطه عاشقانه، ازدواج و تعهد را مراحل اصلی زندگی میدانند که در آن وظایفی مانند فردیت، هویت و صمیمیت برای زوجین وجود دارد. به

لحاظ آسیب‌شناسی خانواده، ازدواج و طلاق هر دو ممکن است مانع ارضاء این دو نیاز در زوجین گردند . بعضی وقت ها که زوجین نتوانند از طریق ازدواج دو نیاز اصلی خود یعنی هویت و صمیمیت را به دست آورند ممکن است طلاق را انتخاب کنند تا شاید از طریق طلاق بتوانند این دو نیاز اساسی را تأمین کنند.

در مورد علت بروز تعارض زناشویی و طلاق، کسلر، والترس و فورتوفور¹ (2007) مشکلات و نیازهای روان شناختی قبلی زوجین را از عوامل بروز تعارض زناشویی و طلاق میدانند .از طرف دیگر اسکالدمن¹ (2012) عدم توانایی زوجین در ایجاد ارتباط و نحوه عشق ورزیدن به یکدیگر را به عنوان علت طلاق در زوجین مطلقه مطرح کرد. دیوید و جک¹ (2007) در پژوهشی که در مورد طلاق انجام دادند به این نتیجه رسیدند که روابط زناشویی مختل یک عامل خطر ساز اصلی برای پیش بینی وقوع طلاق میباشد .همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که 72 درصد زوجین مطلقه دوره‌هایی از روابط مختل و تعاملات خصمانه‌ای را در روابط زناشویی خودشان تجربه کرده‌اند .کتری و امری¹ (2006) هم معتقدند که بین سبک‌های ارتباطی و تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد و زوجین دارای تعارض زناشویی بیشتر دارای سبک‌های ارتباطی غیرمنطقی و ناکارآمد هستند و احتمال وقوع طلاق در آنان بیشتر میباشد .هالمن و جرویس¹ (2013) زوجین را بر حسب شیوه تعاملات شان در هنگام تعارض به دو دسته متعادل و نامتعادل تقسیم می‌کند .زوج های نامتعادل شامل گروه‌های اجتنابی و هیجانی هستند که در یک گروه زوجین متخاصم تعریف می‌شوند .تعارضهای این دسته از زوجین فروانی و شدت بیشتری دارند و در هنگام مشاجره به شخصیت یکدیگر حمله می‌کنند، به صورت مستقیم درگیر تعارضات می‌شوند و توهین، اهانت، انتقاد، قضاوت و سرزنش زیادی در تعاملات آنها دیده می‌شود .زوجین متعادل حالت غیرمتخاصم و موثق در تعامل با یکدیگر دارند، انتقادهای کینه‌توزانه نسبت به یکدیگر ندارند و چون خصومت را دامن نمی‌زنند رضایت بیشتری از زندگی دارند. یکی از علل طلاق در زوجین، ازدواج زودهنگام است. ازدواج زودهنگام یا پدیده کودک همسری به دلایل متعددی از جمله فقر، نابرابری جنسیتی، رویه های فرهنگی سنتی حاکم بر جوامع بشری، بی سواد و ناامنی در بسیاری از نقاط جهان به صورت گسترده ای رواج دارد که منجر به عدم تربیت صحیح نسل آینده، افزایش میزان طلاق،

Commented [M1]: شما تا این قسمت که بخش عمده ای از بیان مساله تحقیق را تشکیل می دهد حرفی از کودک همسری نزده اید.

افزایش نرخ مرگ و میر مادران و فرزندان و مشکلات بهداشتی شده است (سعیدی، 1396). طبق اعلام سازمان ملل متحد انسان از بدو تولد تا 15 سالگی کودک محسوب می شود (گزارش سازمان ملل متحد، 2013) و ازدواج زودهنگام به معنای ازدواج قبل از 18 سالگی تعریف شده است؛ اگرچه این سازمان در نوامبر 2014 با صدور قطعنامه ای همه کشورهای عضو را متعهد کرده بود تا ازدواج کودکان را ممنوع و قوانین لازم برای پیشگیری متخلفان را تصویب و اجرا نمایند اما به طور میانگین از هر 3 دختر یک نفر زیر سن 18 سال ازدواج می کند (گزارش صندوق جمعیت ملل متحد، 2016). سن اولین ازدواج¹ با توجه به تفاوت های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی و قومیتی هر جامعه شکل می گیرد (لیورسیج¹، 2012؛ ترابی و بشیری، 2010). در الگوی سنتی ازدواج، والدین نقش اصلی را در سن اولین ازدواج و همچنین انتخاب شریک زندگی فرزندان بر عهده دارند (فن زنتلیت و همکاران¹، 2014).. بطور کلی تاکنون پژوهش های اندکی با هدف بررسی کودک همسری و عوامل تأثیر گذار بر شیوع آن در استان اردبیل انجام شده است. لذا هدف پژوهش حاضر بررسی علل شیوع کودک همسری و راهکارهای مقابله با آن در استان اردبیل می باشد.

2-1- ضرورت و اهمیت پژوهش

ازدواج به معنای "با هم جفت شدن" و "جفت گرفتن" است (فرهنگ عمید). در قرآن از آن به پیمان محکم یاد شده است، آنجا که خداوند در سوره نساء آیه ی 21 می فرماید: "و چگونه آن مال را پس می گیرید، در حالی که هر یک از شما از دیگری کام گرفته اید و همسرانان از شما (هنگام ازدواج، برای پرداخت مهریه) پیمان محکم گرفته اند". از این رو پیمان زناشویی محکم ترین قرارداد اجتماعی است که می توان آن را ناشی از دوستی شدید و رحمت متقابل بین زن و شوهر دانست، البته مطابق نظر فقیهان شرط ازدواج دختر، رسیدن به سن بلوغ است. در اصطلاح حقوقی "ازدواج" عبارت است از یک رابطه ی حقوقی که به وسیله عقد بین مرد و زن حاصل می گردد و به آن ها حق می دهد که از یکدیگر تمتع جنسی ببرند (به نقل از مقدادی و جوادپور؛ 1396).

[M2] Commented: بیان مساله کلی است و نیاز به اصلاح دارد، اصلاحی که بتواند مساله تحقیق را به روشنی بیان کند. بیان نکات کلیشه ای آن هم در خصوص مساله مبهمی چون کودک همسری، هیچ کمکی به روند تحقیق نمی کند. و این متن بیان مساله نیست.

[M3] Commented: این اهمیت و ضرورت مربوط به موضوع دیگری است که در اینجا آورده اید و ربطی به کودک همسری ندارد. پس تحقیق شما فاقد اهمیت و ضرورت تحقیق است.

متأسفانه عوامل متعددی این نهاد تاثیرگذار اجتماعی را تهدید می‌کند که منجر به از هم گسستگی پیوند زناشویی و طلاق می‌شود. طلاق، پدیده‌های چندعاملی است که بر فرد و خانواده آثار مخربی دارد و در ابعاد اجتماعی موجب ناهنجاری‌های بسیاری می‌شود (برناردی و پاستور^۱، 2010). انحرافات اجتماعی به خصوص در زنان، سلامت روانی اجتماع را به خطر می‌اندازد که لازم است عوامل زمینه‌ساز گرایش به انحراف شناسایی و حذف شوند. یکی از این عوامل زمینه‌ای ازدواج توأم با اجبار والدین، در سنین پایین است که منجر به رفتارهای انحرافی همچون خیانت، روسپیگری و گرایش به طلاق می‌شود (فتحی پور، 1394؛ صدراالشرافی و همکاران، 1391). گرایش به طلاق، به تمایل و علاقه برای گسستن پیوند زناشویی و خروج از این رابطه طی فرایند قانونی اشاره دارد (ریاحی، علیوردی‌نیا و بهرامی کاکاوند، 1386). روزبالت، جانسون و مورو^۱ گرایش به طلاق را در چهار بعد مطرح میکنند؛ این ابعاد شامل تمایل به خروج از رابطه^۱، ابراز احساس^۱، وفاداری^۱ و مسامحه^۱ است. بعد تمایل به خروج از رابطه به صورت فعال به بحث و تفکر راجع به مشکلات و فرایند طلاق می‌پردازد؛ سعی در جستجوی راه‌حل برای برون‌رفت از وضعیت فعلی را شامل میشود (روزلت، جانسون و مورو، 1986). در ایران نیز روند روبه رشد طلاق خصوصاً از میانه دهه ۷۰ تا به امروز، به افزایش توجه محققان و سیاست‌گذاران به این پدیده اجتماعی انجامیده است. بر اساس آمار ثبت احوال کشور طلاق در سال 90 به بیش از دو برابر میزان آن در سال 75 رسیده است که به زعم پژوهشگران، آثار زیان بار فراوانی در سطوح فردی و اجتماعی در پی خواهد داشت و زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی دیگر در جامعه خواهد شد (صادقی فسایی و ایثاری، 1393). همچنین بر اساس آمار ثبت احوال کشور (1394)، نرخ رشد طلاق از 2 درصد در سال 83 به 13 درصد در سال 88 رسیده است و روز به روز نیز در حال افزایش است؛ به گونه ای که میزان طلاق در سال 89 نسبت به سال قبل از آن 9/1 درصد، در سال 93 نسبت به مدت مشابه آن در سال 92، 10/5 درصد و در 9 ماهه اول سال 94 نسبت به سال 93، 7/4 درصد افزایش داشته است. آخرین آمار و ارقام منتشر شده در مورد طلاق در ایران نگران کننده است. سیر صعودی این پدیده در ایران به گونه‌ای بوده که در حال حاضر از هر 4/3 ازدواج یک مورد به طلاق می‌انجامد. با افزایش سریع طلاق در 30 سال اخیر پژوهشگران و روان‌شناسان بیش از پیش به

اهمیت این واقعه پر استرس و علل ایجاد کننده‌ی آن در زندگی زناشویی پی برده‌اند (دهقانی و اسماعیلیان، 1395). لذا با توجه به اهمیت کودک همسری و عوامل تأثیر گذار بر شیوع آن در استان اردبیل، هدف پژوهش حاضر بررسی علل شیوع کودک همسری و راهکارهای مقابله با آن در استان اردبیل می باشد.

3-1- اهداف پژوهش

1-3-1- هدف اصلی

بررسی علل شیوع کودک همسری و راهکارهای مقابله با آن در استان اردبیل

2-3-1- اهداف جزئی

- بررسی علل شیوع کودک همسری در استان اردبیل

بررسی و راهکارهای مقابله با کودک همسری در استان اردبیل

Commented [M4]: اهداف به شکل روشنی بایستی طرح شوند شما در اینجا صرفاً همان موضوع تحقیق را طرح کرده اید.

4-1- سوالات و فرضیه‌های پژوهش

عوامل مؤثر در شیوع کودک همسری در استان اردبیل چیست اند؟

راهکارهای مقابله ای با شیوع کودک همسری در استان اردبیل چیست اند؟

5-1- تعاریف مفاهیم پژوهش

1-5-1- تعاریف مفهومی

- کودک همسری: کودک همسری یا ازدواج زودهنگام به معنای ازدواج قبل از 18 سالگی تعریف شده است؛ اگرچه این سازمان در نوامبر 2014 با صدور قطعنامه ای همه کشورهای عضو را متعهد کرده بود تا ازدواج کودکان را ممنوع و قوانین لازم برای پیشگیری متخلفان را تصویب و اجرا نمایند اما به طور

میانگین از هر 3 دختر یک نفر زیر سن 18 سال ازدواج می کند (گزارش صندوق جمعیت ملل متحد، 2016).

- 1-5-2- تعاریف عملیاتی

کودک همسری: منظور از کودک همسر در این پژوهش، دخترانی است که قبل از رسیدن به سن قانونی ازدواج، ازدواج می کنند.

Commented [M5]: پژوهشگر و یا نویسنده این متن شناختی از روش تحقیق طرح حاضر ندارد.

فصل دوم

پیشینه پژوهش

1-2 مقدمه

در این فصل، به بررسی مبانی نظری در حوزه پژوهش انجام شده پرداخته شد. با توجه به موضوع موردنظر در این پژوهش، ابتدا به مفهوم ازدواج و خانواده پرداخته و سپس مفاهیم مربوط به کودک همسری و ازدواج زود هنگام مطرح شد. سپس به دیدگاه‌های نظری در خصوص کودک همسری پرداخته شد و علل و راهکارهای آن مورد بررسی قرار گرفت. در آخر تعدادی از پژوهش‌های انجام شده در این حوزه، در داخل و خارج از کشور را بررسی شد.

2-2 ازدواج

1-2-2 مفهوم ازدواج

ازدواج مقدس‌ترین و پیچیده‌ترین رابطه میان دو انسان از دو جنس مخالف است که ابعاد وسیع و عمیق و هدف‌های متعددی دارد. ازدواج پیمان و پیوند مقدسی است میان دو جنس مخالف بر پایه روابط پایای جنسی، عاطفی و معنوی و بر اساس انعقاد قرارداد شرعی، اجتماعی و قانونی که تعهداتی را برای زوجین به وجود می‌آورد. بنابراین ازدواج یک تصمیم‌گیری ظریف و پیچیده است که قبل از هر گونه اقدامی باید تمام جوانب را در نظر گرفت (به پژوه، 1394).

به طور کلی ازدواج، پیوند دو شخصیت است با حفظ نسبت نسبی استقلال هر یک از زن و شوهر، برای همکاری متقابل، نه از بین بردن یک شخصیت به خاطر تکمیل خواسته‌های دیگری. به عبارت دیگر ازدواج، قراردادی است رسمی، برای پذیرش یک تعهد متقابل جهت زندگی خانوادگی، که آدمی در خط سیر معین و مشخصی از زندگی قرار می‌گیرد. این قرار داد با رضایت و خواسته طرفین، بر مبنای آزادی کامل دو طرف منعقد شده و در سایه آن روابطی بس نزدیک بین آن دو پدید می‌آید (دژکام، 1388).

ازدواج ارتباطی است که دارای ویژگی‌های بی‌نظیر و گسترده‌ای می‌باشد. ازدواج ارتباطی که دارای ابعاد زیستی، عاطفی، روانی، اقتصادی و اجتماعی است. به عبارت دیگر، همزیستی زوجین در درون خانواده، موجب

چنان ارتباط عمیق و همه جانبه ای می شود که بی هیچ شک و تردیدی قابل مقایسه با هیچ یک از دیگر ارتباطات انسانی نمی باشد به نحوی که قرارداد ناشی از آن دارای نوعی تقدس است (دژکام، 1388).

کارلسون ازدواج را چنین تعریف می کند: «ازدواج فرایندی است از کنش متقابل بین یک مرد و یک زن که با تحقق بخشیدن به برخی شرایط قانونی و بر پا داشتن مراسمی برگزاری زناشویی انجام می گیرد (دژکام، 1388). کلودی استروس، ازدواج را برخوردی دراماتیک بین فرهنگ و طبیعت یا میان قواعد اجتماعی و کشش جنسی می داند (دژکام، 1388).

2-2-2 نظریه‌های مربوط به ازدواج

در طول دهه‌های گذشته نظریه‌های مختلف به منظور تسهیل پژوهش‌های متمرکز بر روابط نزدیک مخصوصاً در زمینه ازدواج گسترش یافته‌اند، این نظریه‌ها به چگونگی پیشرفت یا فروپاشی روابط و شرایطی که به کیفیت و دوام آنها کمک می‌کنند توجه داشته‌اند. نظریه‌های ازدواج زیر که در زمینه روانشناسی خانواده مطرح شده‌اند جدیدترین دیدگاه‌ها راجع به ارتباط زناشویی هستند. نظریه‌های مهم در مورد ازدواج شامل نظریه مثلثی استرنبرگ¹، نظریه روابط گاتمن، نظریه انتخاب زناشویی ماراشتاین²، نظریه بحران، نظریه تبادل اجتماعی هومنس، و نظریه تساوی هتفیلد³ هستند که در زیر به توضیح آنها می‌پردازیم:

نظریه مثلثی استرنبرگ

استرنبرگ (1986) نظریه مثلثی عشق را مطرح کرد که یک الگو برای درک روابط زناشویی فراهم می‌آورد. این الگو سه عامل برای عشق را مطرح می‌کند: صمیمیت، شهوت و تعهد. ترکیبات متفاوت هر کدام از این سه رکن منجر به انواع مختلف عشق می‌شوند. هنگامی که یک رابطه به طور مساوی تمام این سه عامل را متعادل می‌کنند کیفیت و سازگاری آن رابطه بهتر از زمانی است که این عوامل نامتعادل هستند و یا یکی از آنها

¹. Sternberg's triangular theory

². Murstein's theory of marital choice

³. Hatfield's equity theory

وجود ندارد. استرنبرگ سه عامل عشق را به طور تعاملی در نظر می گیرد. میزان عشقی که یک فرد تجربه می کند به قدرت این سه عامل وابسته است. بر طبق این مدل رابطه عشق کامل (مطلوب) از حالت متعادل این سه عامل تشکیل شده است. نظریه ی استرنبرگ الگویی را برای درک عشق در روابط نزدیک فراهم می کند. عشق به طور اجتماعی از طریق الگوبرداری نقش و مشاهده آموخته می شود (استرنبرگ، 2000).

بعد صمیمیت هسته ی روابط عشقی را تشکیل می دهد. صمیمیت، احساسات نزدیکی و وابستگی در روابط را در بر می گیرد. پژوهش استرنبرگ (2000) نشان می دهد که صمیمیت به وسیله نشان دادن خوشحالی به شخص محبوب، توجه زیاد به او، تقسیم کردن احساسات با او، حمایت کردن و حمایت گرفتن از او و ارزشمند دانستن او ابراز می شود. این نظریه مطرح می کند افراد هنگامی با کسی که شباهت بیشتری با خودشان دارد ازدواج کنند شادمان تر هستند. تشابه بیشتر در زمینه ی نگرش نسبت به ارزش ها، ارتباط زناشویی بیشتری را به بار می آورد. در مقابل هرچه مثلث ها متشابه نباشند ارتباط زناشویی پایین تر است (استرنبرگ، 2000).

- نظریه گاتمن

پژوهش مشاهده ای گاتمن روی زوج های متأهل در طول سه دهه گذشته کشفیات مهمی به دست داده است که اطلاعات ارزشمندی را برای درک پویایی های رابطه زناشویی فراهم آورده است. گاتمن و همکارانش (1998) پویایی های رابطه ی زوج های متأهل را به وسیله ی تحلیل کردن رفتارها و پیش بینی کردن الگوهای تعاملی مورد بررسی قرار دادند. نظریه فرایند گاتمن در مورد آشفته گی زناشویی و طلاق، نظریه های رفتاری و تبادل اجتماعی را با هم ادغام می کند. او مطرح می کند که ارتباط زناشویی و دوام ازدواج از توانایی زوجین برای حل کردن تعارض هایی که در هر رابطه ای اجتناب ناپذیر است حاصل می شود نه ادامه دادن به تعاملات متقابل منفی (گاتمن و لونسون، 2000، به نقل از دانکان، 2008).

گاتمن و لونسون (2000) از سیستم کدگذاری رفتار، مقیاس های روان شناختی و مشاهدات تعامل زوجین در موقعیت آزمایشگاهی استفاده کردند. نتایج نشان دادن هیجان های منفی دوطرفه با آشفته گی زناشویی در ارتباط

¹.Levenson, P

بود. آنها دریافتند که در روابط باثبات زناشویی، نسبت رفتارهای مثبت به رفتارهای منفی 5 به 1 است. هنگامی که این نسبت 1 به 1 شود رابطه‌ی زوجین در معرض خطر طلاق قرار دارد. زوج‌های کارآمد رفتارهای مثبت بیشتری را نشان می‌دهند درحالی که زوج‌های ناکارآمد درجه بیشتری از رفتارهای منفی را نشان می‌دهند از این رو نسبت 5 رفتار مثبت به 1 رفتار منفی مشخص‌کننده روابط زناشویی سازگار، باثبات‌تر و رضایت‌بخش‌تر است (گاتمن و لونسون، 2000، به نقل از دانکان، 2008).

گاتمن همچنین رفتارهایی تقویت‌کننده روابط زناشویی را مورد مطالعه قرار داد. او پیش‌بینی کرد زوجین، با آگاه شدن از کارهایی روزانه‌ی همسرشان، داشتن مکالمات روزانه‌ی بدون استرس، ابراز محبت و مهربانی از طریق بخشش، تفریحات هفتگی و ابراز قدردانی حداقل روزی یک بار، می‌توانند از طلاق اجتناب کنند. بنا بر نظر گاتمن اگر زوجین این رفتارها را به‌طور منظم اجرا کنند ارتباط زناشویی در طول زندگی افزایش می‌یابد (گاتمن و لونسون، 2000، به نقل از دانکان، 2008).

- نظریه انتخاب زناشویی ماراشتاین

نظریه‌ی سه مرحله‌ای انتخاب زناشویی ماراشتاین؛ محرک، ارزش و نقش را در نظر می‌گیرد. مرحله‌ی اول، رضایت ارزشی را در بر می‌گیرد که به‌وسیله محرک تصویری، شنیداری و غیرتعاملی به دست می‌آید. مرحله‌ی دوم، شامل ارزش‌هایی است که از طریق تعاملات کلامی مورد قدردانی قرار گرفته‌اند. مرحله‌ی سوم، توانایی زوجین برای عملکرد در نقش‌هایی است که به‌طور متقابل تعیین شده‌اند (نزلک¹، 2007).

ماراشتاین (1986) مدنظر قرار می‌دهد که چرا؛ ازدواج، محرک‌های غریزی جنسی، خود پذیرشی، روان‌نژندی، جذابیت فیزیکی، اهمیت بیشتر پیشرفت معاشقه و سازگاری نقش خیالی در مقابل سازگاری نقش واقعی، مشابه و متفاوت می‌باشند. نظریه مرحله‌ای ماراشتاین فرض می‌کند که روابط صمیمی از اولین برخورد در مراحل پیش‌رونده گسترش می‌یابند. این عوامل در ازدواج بسیار مهم هستند. به‌هرحال توالی که در آن این مراحل

¹.Nezlek,J.B

شکل می‌گیرند بسته به شخصیت و انگیزه‌های متفاوت می‌باشند. از این رو محرک، ارزش‌ها و نقش‌ها با ارتباط زناشویی در ارتباط هستند (نزلک، 2007).

- نظریه بحران

نظریه بحران به وسیله تحقیقات هیل^۱ (1949) اینکه چطور خانواده به حوادث استرس آور پاسخ می‌دهد، بنا نهاده شده است. این نظریه به وسیله مک کوبین و پاترسون^۲ (1983) از طریق ترکیب کردن عوامل زمان گسترش یافت. این نظریه روشی که عوامل استرس‌زا و منابع مربوط به آن تعریف و ایجاد می‌شود و همچنین پاسخ خانواده به حوادث استرس‌زا را مورد تأکید قرار می‌دهد. بر اساس این مدل، حوادث استرس‌زا بر ارتباط زناشویی تأثیر می‌گذارند و این رابطه از طریق تعریف زوج‌ها از مشکل و منابع آنها از حوادث اصطلاح می‌شود. نظریه بحران از طریق مورد توجه قرار دادن نقش عوامل محیطی روی فرایندهای زناشویی و ارائه کردن تبیینی برای تغییر در طول مدت زناشویی به تحقیقات مربوط به حیطه‌ی زناشویی کمک می‌کند. به هر حال محدودیت این نظریه این است که تبیین خاصی از اینکه چطور ازدواج‌ها در طول زمان تغییر می‌کنند، را ارائه نمی‌دهد (کراتزک^۳، 2009).

- نظریه تبادل اجتماعی

بر اساس بنگستون^۴ و همکاران (2005) نظریه‌ی تبادل اجتماعی که توسط جرج هومنس^۵ (1974) شکل گرفته است چنین بیان می‌کند که انسان‌ها اساساً در بند نفع شخصی هستند. این نظریه رفتاری مطرح می‌کند که افراد رابطه‌ای را دنبال می‌کنند که برای آنها پاداش‌های بیشتر و هزینه‌های کمتری داشته باشد. در این دیدگاه افراد دنبال افزایش داشته‌ها و کاهش هزینه‌هایشان هستند. پاداش‌های بیشتر، هزینه‌های کمتر و پیامدی که سطح انتظار زوجین را برآورده می‌سازد می‌تواند میزان ارتباط زناشویی را پیش‌بینی کند. هومنس مطرح می‌کند که هنجارهای اجتماعی از نیازهای افراد منتج می‌شود نه از رفتار بین فردی. همسران خواسته و نیازهای خود را از طریق مبادله با

¹.Hill, A

².McCubin, W.B & Paterson, J.M

³.Krdatzke, K.N

⁴.Bengston, P

⁵.Homans, G

یکدیگر به دست می‌آورند و هر کدام هر چیزی را که می‌خواهند با کمترین هزینه ممکن به دست می‌آورند (دانکان، 2008).

بر اساس نظریه‌ی تبادل اجتماعی، استوارت¹ (1961) چنین فرض کرد که ازدواج‌های موفق را می‌توان بر اساس فراوانی و دامنه‌ی اعمال مثبتی که به‌طور متقابل به‌وسیله‌ی زوجین مبادله می‌شود از ازدواج‌های ناموفق متمایز ساخت. به معنای دقیق کلمه، روابط آشفته به‌وسیله‌ی کمبود پیامدهای مثبت موجود برای هر عضو مشخص می‌شود، مخصوصاً در رابطه با فراوانی پیامدهای منفی، نظریه تبادل اجتماعی پیش‌بینی می‌کند که رضایت افراد از روابطشان بر اساس نسبت مزیت‌هایی است که هر کدام از زوجین در قالب رفتارهای مثبت و منفی از همسر خود دریافت می‌کنند (دانکان، 2008).

- نظریه تساوی

نظریه تساوی روی تعادل منفعت‌ها و سهم‌ها در روابط تمرکز دارد. نظریه‌های تساوی هتفیلد مطرح می‌کند که ارتباط زناشویی هنگامی که نسبت بین منفعت‌ها و سهم‌ها برای هر دو همسر حاضر در رابطه متعادل باشد به بهترین حد خود می‌رسد. این عادلانه است که اگر یک همسر بیشتر کمک می‌کند منفعت بیشتری ببرد، مادامی که نسبت کلی منفعت به سهم و کمک متعادل باشد. به‌هرحال زمانی مشکل ایجاد می‌شود که یکی از همسران نسبت به دیگری منفعت بیشتری ببرد. همسری که منفعت کمتری دارا است بدون شک احساسات منفی را تجربه می‌کند که ارتباط زناشویی را کاهش می‌دهند (برهم²، 2005، به نقل از دانکان، 2008).

مکنزی³ (2003) نشان می‌دهد که عدم تساوی با میزان پائین سازگاری در روابط صمیمی در ارتباط است. بر طبق نظریه تساوی، افراد در ازدواج‌های عادلانه و متساوی رضایت بیشتری دارند درحالی‌که افراد در ازدواج‌های ناعادلانه آشفته‌گی بیشتری دارند و این میزان آشفته‌گی با افزایش

¹.Stuart, R.B

².Brehm, N et al

³.Mckenzie, P.T

نابرابری افزایش می‌یابد (پیلمر^۱ و همکاران، ۲۰۰۸، به نقل از آسوده^۲ و همکاران، ۲۰۱۰). صرف نظر از واژه‌پردازی‌ها درباره مفهوم ارتباط زناشویی، پاره‌ی عوامل بر میزان آن تأثیر می‌گذارند و سبب افزایش یا کاهش آن می‌شوند، که به بررسی آنها می‌پردازیم.

3-2 عوامل موثر در ازدواج

- سن

اغلب محققین سن را یکی از متغیرهای مهم ارتباط زناشویی می‌دانند، به گفته کارلسون^۳ (۲۰۰۰) چون انتظارات و شیوه نگرش اشخاص در سنین مختلف فرق می‌کند و افرادی که دارای سن متفاوت هستند دارای فرهنگ و اندیشه‌ی متفاوت نیز خواهند بود، لذا تفاوت‌های سنی، تفاوت‌های وسیع فرهنگ و جهان‌بینی را به همراه خواهد آورد و در بقای زوجیت و ارتباط زناشویی تأثیرگذار خواهد بود (هارمون^۴، ۲۰۰۵).

- طول مدت ازدواج

گراور^۵ و همکاران (۲۰۰۰) بر این باورند که اطلاعات به دست آمده از بررسی پنجاه و یک زن، رابطه‌ی قوی بین مدت زمان آشنایی با همسران خود و ارتباط زناشویی آنها در حال حاضر را نشان می‌دهد. افرادی که مدت طولانی‌تری از آشنایی‌شان می‌گذشت، سازگاری بیشتری داشتند، این محققان حداقل طول دوره آشنایی برای ازدواج را ۶ ماه ذکر می‌کنند (هارمون، ۲۰۰۵).

همچنین پژوهش نشان می‌دهد که آماده شدن و برنامه‌ریزی برای ازدواج مخصوصاً به دلیل اینکه بسیاری از طلاق‌ها در سال اول زندگی رخ می‌دهند بسیار ضروری است (استری چارز^۶، ۲۰۰۳).

- هم تراز بودن سطح تحصیلات

^۱.Pillemer, J

^۲.Asoodeh, M.H et al

^۳.Carlson, P

^۴.Harmon, J.W

^۵.Grawer, L.K et al

^۶.Strycharz, S.J

از آنجا که تحصیلات به عنوان شاخصی در نوع فرهنگ، اندیشه و جهان بینی انسان هاست، می توان آن را به عنوان یک معیار در نظر گرفت. روانشناسان به این نتیجه رسیده اند که تفاوت میان سطح تحصیلی و طبقاتی یکی از عوامل بسیار مهم اختلافات زندگی است، البته امکان دارد که در همین اختلاف سطح تحصیلی، زندگی زناشویی سازگاری وجود داشته باشد ولی بهتر است از ازدواجی که در آن اختلاف تحصیلی خیلی زیاد است بر حذر باشیم (ریوس^۱، ۲۰۰۵).

- همکاری

هیون در پژوهشی ارتباط بین ارتباط زناشویی و همکاری از جمله تفاهم و تقسیم کارهای منزل و نگهداری بچه ها را از دیدگاه نظری در چهار گروه از جامعه مورد تحقیق و بررسی قرار داد. نتایج، وجود رابطه ی معناداری بین ارتباط زناشویی و همکاری را بین تمام گروه های مورد مطالعه نشان داد (ریوس، ۲۰۱۰). در کنار همکاری از تفاهم به عنوان یکی دیگر از عوامل مهم در ارتباط زناشویی نامبرده شده است، زوج های که باورها و توقعات پایه ای مشترکی درباره ی ازدواج، رابطه جنسی، بچه ها، مسائل مالی و مذهب دارند، ارتباط زناشویی بیشتری دارند (استری چارز، ۲۰۰۳).

- مسائل عقیدتی و مذهبی

بوساردبول در یک مقاله ی زناشویی درباره ایمان می نویسد زناشویی میان زن و مردی که مذاهب مختلف دارند به دشواری های شخصی و خانوادگی گوناگون می انجامد و تنها با اراده ای استوار می توان از آن پرهیز کرد (بوساردبول^۲، ۲۰۰۳) در صورتی که زوجین با مذاهب مختلف به تفاوت های خود احترام بگذارند و هر یک از آنها دیگری را در رشد شخصی خود سهیم بدانند می توانند در ازدواج خود موفق باشند (چینیتز^۳، ۲۰۰۱). در کل، مذهبی بودن شرط لازم و کافی برای ازدواج و رابطه موفق در نظر گرفته نشده است (لیچتر و کارمالت^۴، ۲۰۰۹).

^۱.Rios , C.X

^۲.Bousardbool, K

^۳.Chinitz, J,G

^۴.Lichter, J & Carmalt, A

تعهد مذهبی افراد را تشویق می کند که سازگاری بیشتری داشته باشند و الگوهای موفقیت آمیز حل تعارض را افزایش دهند (استری چارز، 2003).

- درک همسر

جانسون و همکاران (2001) نقش میزان درک همسر را در تعیین میزان ارتباط زناشویی خاطر نشان می سازند و یافته هایشان نشان می دهد، زوج هایی که از شیوه های واکنش متقابل که ارتباط آنها را سهولت بخشیده و درک و فهم آنها را در خصوص احساسات و عواطف یکدیگر بهبود می بخشد استفاده می کنند. به احتمال زیاد ارتباط زناشویی بیشتری دارند (هیون، 2006).

- مسائل جنسی

همان طور که انتظار می رود همیشه رابطه ای قوی بین ارتباط زناشویی و رابطه ی جنسی وجود دارد این پیوند قوی احتمالاً نشان می دهد که عوامل مشابهی هم بر کارکرد رابطه جنسی و هم بر کارکرد کلی رابطه تأثیر می گذارد به عبارت دیگر تمایل بین زوجین، هم رضایتمندی از رابطه و هم رضایت جنسی را پیش بینی می کند (مک کاب^۱، 2004؛ ریوس، 2010). پژوهش نشان می دهد که کاهش رضایت جنسی منجر به کاهش رضایت زناشویی و به تبع آن خیانت زناشویی را در به دنبال خواهد داشت (کمپل^۲، 2009).

پژوهش رابطه مثبتی بین بد کارکردی جنسی، استرس، اضطراب، آشفتگی روان شناسی و نارضایتی زناشویی را نشان می دهد. صمیمیت جنسی خوب عمدتاً از پیوند عاطفی مبتنی بر اعتماد و ارتباط باز ریشه می گیرد، اما زوج های که در مورد مسائل مالی، کارهای خانه و فرزند پروری تعارض دارند روابط جنسی رضایت بخشی ندارند (کلارک، 2010).

- صرف اوقات فراغت با هم

¹.Mackcob, A

².Campbell, M.A

مصاحبت و با هم بودن یکی از سرمایه‌های ازدواج موفق است که لازمه‌ی آن این است که به فعالیت‌هایی که زن و شوهر از آن لذت می‌برند توجه نمود. مصاحبت و باهم بودن در اوایل آشنایی بسیار زیاد است اما به نظر می‌رسد به تدریج هرچه زمان می‌گذرد این عامل مهم در بسیاری از ازدواج‌ها نقصان می‌گیرد. وقتی زن و شوهر دچار گرفتاری‌های روزمره می‌شوند وقت کمتری را با هم صرف می‌کنند و در نتیجه میزان سازگاری در زندگی زناشویی کاهش می‌یابد (سیلیمن^۱، ۲۰۰۶)

- سبک اسناد

در یک پژوهش ۱۵ ساله رابطه میان سبک اسناد و رضایت از ازدواج بررسی شد. پژوهشگران دریافتند که مسائل منفی را به همسر اسناد دادن و همواره علل ثابتی را برای آشفتگی رابطه در نظر گرفتن در بین زوج‌های مشکل‌دار بیشتر دیده می‌شود. در ارتباط با سبک اسناد نشان داده شده است که زوج‌های مشکل‌دار وجود مشکلات را به همسر خود نسبت می‌دهند و تصور می‌کنند که آنها از روی عمد به گونه‌ای ناخوشایند با آنها رفتار می‌کنند و در مقابل زوجین خوشبخت احتمالاً بیشتر رفتارهای منفی را به شرایط صمیمی نسبت می‌دهند و از مسائل منفی بهتر می‌گذرند (سیندر^۲، کستلانی و ویشمن^۳، ۲۰۰۶).

- ارتباط

ارتباط برای ازدواج رضایت‌بخش ضروری است. لازمه‌های ارتباط یاد گرفتن شریک شدن در افکار، احساسات، بازخوردهای مثبت و ابراز قدردانی است. بنا به توصیه اکثر صاحب‌نظران ارتباط مؤثر تنها مهارت لازم برای دوام ازدواج شناخته شده است (ریوس، ۲۰۱۰). مهم‌ترین جنبه ارتباط خود افشایی عنوان شده است (جیان، ۲۰۱۰).

زوج‌هایی می‌توانند ارتباط مؤثر داشته باشند که شرایط ذیل را لحاظ نمایند:

^۱.Silliman, A

^۲.Synder, D.K

^۳.Castellani, A.M &Whishman, M.A

توانایی تصدیق کردن یکدیگر، گوش دادن و دادن پاسخ غیر تدافعی به نیازهای همسر، تمرکز در مسائل موجود در هنگام بروز سوء تفاهم و بروز احساسات منفی به روشی غیر مخرب (لاور¹، 2005).

4-2- مفهوم خانواده

خانواده صرفاً حضور تعدادی از افراد که در یک فضای فیزیکی و روان شناختی در کنار هم قرار دارند، نیست. خانواده به عنوان یک سیستم اجتماعی-فرهنگی تلقی می شود که در کنار همه ی خصوصیات دیگرش، دارای مجموعه ای از قواعد است و هر یک از اعضایش نیز نقش خاصی دارند. این سیستم دارای یک ساختار قدرت است که وسیله ی آن، اشکال مختلفی از ارتباط را بروز می کند. هر خانواده روش خاصی برای مواجهه با مشکلات دارد. اعضای این سیستم با هم رابطه ای عمیق و چند لایه ای دارند. همچنین اعضای خانواده تا حدود زیادی پیشینه ی مشترک، ادراکات درونی شده ی مشترک، مفروضات و دیدگاههای درباره ی دنیا و برداشت مشترکی از اهداف زندگی دارند (نظری، 1393).

در چنین نظامی، افراد به وسیله علایق و دلبستگی های عاطفی نیرومند، دیر پا، و متقابل به یکدیگر متصل شده اند. ممکن است از شدت و حدت این علایق و دلبستگی ها در طی زمان کاسته شود، لیکن باز هم علایق مزبور در سراسر زندگی خانوادگی به بقای خود ادامه خواهد داد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، 2000؛ ترجمه شاهی برواتی و نقشبندی، 1392).

ورود به چنین نظام سازمان یافته ای صرفاً از طریق تولد، فرزند خواندگی، یا ازدواج صورت می گیرد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، 2000؛ ترجمه شاهی برواتی و نقشبندی، 1392). در داخل این سیستم، حلقه های عاطفی قدرتمند، پایدار و متقابلی افراد را به هم گره زده است. بنا به گفته ی کی (1985) خانواده ها صاحب اعضای جدیدی می شوند و به مرور آنها را از دست می دهند، اما روابط خانوادگی همچنان پابرجا باقی می ماند. نفوذ خانواده باعث می شود، حتی زمانی که اعضاء در اثر فاصله های فیزیکی و یا گاهی مرگ از هم جدا می

¹.Laver,K

شوند، حلقه های عاطفی و ارتباطی اعضا باقی بماند. به عبارتی عضو یک خانواده هرگز نمی تواند به طور کامل واقعی، عضویت در آن خانواده را از دست بدهد (نظری، 1393).

بر خلاف اعضای متعلق به نظام های غیر خانوادگی که عمدتاً می توان در غیاب آنها عضو جدیدی را جایگزین ساخت، اعضای خانواده تعویض ناپذیر هستند. این امر در وهله نخست به خاطر آن است که ارزش اصلی خانواده حاصل شبکه روابطی است که توسط اعضای آن به وجود آمده است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، 2000؛ ترجمه شاهی برواتی و نقشبندی، 1392). خانواده ها از نظر سازمانی، سیستم عاطفی پیچیده ای دارند که ممکن است حداقل مرکب از سه نسل باشند. البته امروز به دلیل افزایش طول عمر، خانواده ها مرکب از چهار نسل هم وجود دارند (نظری، 1393).

هر خانواده به صورت اجتناب ناپذیری تلاش می کند تا به خودش به عنوان یک گروه نظم دهد. این تلاش برای نظم دادن به خود می تواند به صورت سنتی یا نوگرایانه، سازگاران یا ناسازگاران و منظم یا نا منظم باشد (نظری، 1393).

اعضای خانواده در حین رشد به هویت اختصاصی و یکتای خود دست می یابند. اما باز هم به گروه خانوادگی دلبستگی دارند و لذا هویت یا تصویر جمعی خاص خود را حفظ خواهد کرد. این اعضا در انزوا زندگی نمی کنند، بلکه به یکدیگر وابسته اند آن هم نه فقط به خاطر پول، غذا، و سر پناه بلکه به خاطر نیاز به عشق و محبت، همکاری و همیاری، جامعه پذیری و سایر نیاز های ملموس. این افراد برای دستیابی به کارکرد موفق باید خود را با نیاز های و خواسته های متغیر سایر اعضا و همچنین انتظارات متغیر شبکه خویشاوندی بزرگتر، محله، و در نهایت کل جامعه منطبق سازد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، 2000؛ ترجمه شاهی برواتی و نقشبندی، 1392).

5-2- کودک همسری و ازدواج زود هنگام

ازدواج، یکی از اساسی ترین و در عین حال حساس ترین مراحل زندگی انسان به شمار می رود. انسان بنابر سرشت و ماهیت وجودی خویش و وابستگی به غیر در پاسخ به نیازهای درونی و بیرونی خود همواره از

فردگرایی گریزان بوده است. حتی انسان بدوی نیز بی نیاز از زنادگی مشترک (خانوادگی و گروهی) نبوده است. ازدواج اصلی ترین و عالی ترین نمود این پاسخ است و مظهری از قانون گاروی اوست (احمدی، 1384). از دیدگاه جامعه شناسی، ازدواج یک قرارداد اجتماعی و ضامن بقای نسل انسان است و آرامش و امنیت در یک جامعه، نتیجه ازدواج سالم و محیط آرامبخش خانواده است. از آن جایکه ازدواج عامل پیدایی خانواده است، ولی ازدواج زود هنگام می تواند منجر به بروز اختلالاتی در پیدایش و شکل گیری خانواده های جدید و هم چنین خود شخص گردد (بهنام، 1383). ازدواج زود هنگام عبارتست از هر ازدواجی که در سنین زیر 18 سالگی صورت گرفته، در صورتی که دختر از نظر جسمی، فیزیولوژیکی و روانی برای ازدواج و فرزندآوری آماده نیست (یونسف، 2006). در حال حاضر اگرچه بیشتر دختران در سنین بالا ازدواج می کنند، ولی در بسیاری از مناطق ازدواج زود هنگام رایج است. به طور کلی، 22 تا 20 درصد از زنان در کشورهای در حال توسعه (به خصوص در صحرای جنوب آفریقا و جنوب آسیا) در سنین زیر 18 ازدواج میکنند (سینک، 1389).

ازدواج زود هنگام، تجاوز به حقوق انسانی دختران بوده و در اکثر توافق نامه های بین المللی مورد توجه قرار گرفته است. بیانیه جهانی حقوق بشر بیان میکند: "همه مردان و زنان در تمام طول دوران زندگی خود و سوای نژاد، ملیت یا مذهب خود از حق ازدواج و تشکیل خانواده برخوردارند. مردان و زنان در هنگام ازدواج، در طول زندگی زناشویی و همچنین در هنگام فروپاشی ازدواج از حقوق برابر برخوردارند. ازدواج بایستی با رضایت کامل و آزاد زوجین صورت گیرد" (موسوی بلادی، 1387). بنابراین دخترانی که در سنین پایین ازدواج میکنند، به علت اینکه به بلوغ کافی نرسیده اند، ازدواج آنها همراه با رضایت کامل و آزاد نبوده و حقوق انسانی آنها رعایت نشده است (آبدخت، 1389).

دخترانی که به علت ازدواج زود هنگام ترک تحصیل می کنند، دانش و مهارت لازم را در زندگی کسب نکرده و در شکل دهی به هویت خود با مشکل مواجه شده و به دلیل نداشتن اعتماد به نفس کافی، همواره متکی به دیگران بوده و از قدرت تصمیم گیری بالایی در زندگی برخوردار نیستند (گود، 1382). تاثیرات منفی ازدواج زود هنگام فقط محدود به زنان و فرزندان آنها نشده بلکه بر روی نهاد خانواده و جامعه هم اثرگذار است. ازدواج

زودهنگام منجر به کاهش کیفیت زندگی زنان و کمرنگ شدن نقش زنان در جامعه می شود. ازدواج زودهنگام منجر به ورود زنان به "چرخه فقر" شده و زنان، فرزندان و خانواده های آنها را در فقر مداوم نگه می دارد. ازدواج زودهنگام مانع از ارتقای شاغلی و تحصیلی زنان شده و بنابراین منجر به کاهش رشد اقتصادی و توسعه در جامعه می شود (صدیق، 1386).

از بعد سنی یکی از اشکال ازدواج، ازدواج زودهنگام می باشد. آمارها نشان می دهد در سطح جهانی، 81 درصد زنان 24 تا 21 ساله قبل از رسیدن به سن 18 سالگی ازدواج کرده اند. سالانه 14 میلیون نوبالغ 15 تا 19 ساله زایمان می کنند و دختران زیر 15 سال، 5 برابر بیش از دختران سن بیست سالگی دستخوش مرگ و میر در اول بارداری یا زایمان می شوند. دختران زیر سن 18 سالگی، 60 درصد بیش از دختران بالای 19 سالگی شاهد مرگ و میر نونهالانشان در یک سال اول زندگیشان هستند و حتی اگر شانس زنده ماندن داشته باشند، بیشتر در معرض بیماری های کم وزنی، کمبود مواد غذایی و دیرکرد در رشد جسمی و شناختی قرار میگیرند (کیدنز، 1388).

دختران با ازدواج اجباری و زودهنگام، از فرآیند آموزش و تحصیل دور مانده و با فقر آموزشی رو به رو می شوند و از سوی دیگر به دلیل همین کم سواد و دانش اندک، توانایی رویارویی با مسایل خانوادگی را نداشته و در توسعه خانواده و تربیت فرزندان نیز سرمایه مناسبی محسوب نمی شوند. بنابراین دختران و زنان بیشترین قربانیان این پدیده هستند. پی از جدایی و طلاق های شایع در این طیف و گروه سنی ازدواج کرده ها نیز، به دلیل همان فقر آموزش و مهارت، ادامه زیست برای خانواده هایی که این کودکان سرپرستی آن را بر عهده دارند، بسیار مشکل آفرین است. از این روست که ازدواج زودهنگام و اجباری سبب ساز تحکیم و شیوع فقر و زنانه شدن بیشتر آنها می شود (رفیع پور، 1382).

2-6- تحول و دگرگونی خانواده و ازدواج در ایران

خانواده یکی از قدیمیترین نهادهای اجتماعی است، که به اعتقاد بسیاری از صاحبزنان، تاریخی به قدمت حیات انسان دارد. به لحاظ اهمیت و نقشی که این نهاد در سلامت و تداوم حیات جامعه دارد، همواره یکی از موضوعات مورد علاقه و توجه متفکران اجتماعی و تاریخی بوده است. آنچه مسلم است، خانواده همچون سایر سازمانها و نهادهای تشکیل دهنده جامعه، در اول تاریخ دچار دگرگونی های عمیق گردیده است. وسعت و اهمیت این تغییرات تا آنجا است که امروزه بسیاری از جامعه شناسان و صاحبزنان نگران آینده این نهاد بوده و از کاهش اهمیت و حتی زوال آن به ویژه در جوامع پیشرفته سخن میگویند (گیدنز، 1388). تشکیل خانواده و ازدواج در وهله اول ممکن است امری شخصی و خصوصی تلقی شود، اما واقعیات آن است که کمتر حوزه ای از حیات انسانی یافت میشود که روابط بین فرد و جامعه در آن این چنین تحت انتظام هنجارها قرار گرفته باشد. هر چند افراد ممکن است به هنگام انتخاب همسر و شریک زندگی خود و در واقع تشکیل خانواده احساس کنند که آزادانه دست به انتخاب میزنند، اما آنها به طور ناخودآگاه از الگوها و قواعد بسیار دقیق و پیچیده تبعیت میکنند، این قواعد و الگوها در طول تاریخ دچار تحولات بسیاری شده اند (اعزازی، 1381). به طور کلی خانواده ایرانی اشکال مختلفی را به خود دیده است و دچار دگرگونیهایی در اول تاریخ گردیده است به طوری که یکی از متفکران اجتماعی روند این دگرگونی را اینگونه تعریف می کند: به طور کلی دگرگونی خانواده ایرانی با ابعاد مختلف آن در نیم قرن اخیر آرام و کند، اما مستمر و قاطع بوده است. از زمانهای دور شکلی از خانواده در جامعه ما وجود داشته که جامعه شناسان آن را به اصطلاح کلی "خانواده گسترده" توصیف کرده اند. خانواده های بر اساس شرایع اسلامی و سنتهای ایرانی، خانواده های که مذهب و سنت و شیوه تولید اقتصادی جوامع کشاورزی، مبنای آن را تشکیل می داد. این خانواده براساس "پدرتباری" و "پدرمکانی" و اولویت جنسی مرد استوار بود و سازمان مرتبی داشت که زیر نظر پدر اداره میشد. خانواده واحد تولید و مصرف بود و این امر نه تنها در روستاها بلکه در شهرها نیز که مراکز مهم صنایع دستی بودند به چشم میخورد. سرای خانوادگی، سنتهای متعددی را در خود جای داده و پاسدار سنتها بوده است. روابط افراد بر سلسله مراتبی مبتنی بود که همه آن را قبول داشتند. برخورد با تمدن صنعتی غرب و پیامدهای آن، که عبارت است از تغییرات ساخت اقتصادی جامعه، رواج شهرنشینی و دخالت

دولت از عوامل عمده تغییر در خانواده ایرانی و به ویژه شکل شهری آن می‌باشد (بهنام، 1388). خانواده پدرسالار ایرانی دارای کارکردهای متعدد و متنوعی بوده است. از آنجا که نظام اقتصادی مبتنی بر تولید کشاورزی بود، خانواده واحد تولیدی به شمار میرفت و افزایش تعداد افراد خانواده موجب فزونی فعالیتهای اقتصادی و رفاه اجتماعی میشد. بنابراین تاریخ خانواده بزرگ و والد به لحاظ اقتصادی اهمیت خاصی داشت. سایر کارکردهای خانواده ایرانی عبارت بودند از کارکردهای زاد و ولدی، تربیتی، دینی، تفریحی، حمایت از کودکان، زنان و سالخوردگان، تعیین جایگاه و موقعیت اجتماعی افراد در یک جامعه کاستی و اشرافی، تامین نیازهای عرفی و شخصی فرد و بالاخره همسرگزینی برای فرزندان به عنوان یک تکلیف دینی (تیلر، 1388). بطور کلی میتوان گفت که تحول خانواده در دوران جدید، با صنعتی شدن اروپای غربی آغاز شد و براساس حقوق اجتماعی تازه که نتیجه انقلابهای فکری قرون جدید بود، شکل جدیدی از خانواده پدید آمد. دلیل اصلی تحول خانواده عبارت بودند از: تغییر خصوصیات شکل تولید و بهره برداری، تحریک نیروی کار، افزایش فعالیتهای بخش صنایع و خدمات، بالا رفتن سطح مصرف و استفاده از کالاها و خدمات مصرفی تازه. این دگرگونی موجب شده که مسئولیتهای جمعی و عمومی جانشین مسئولیتهای خانوادگی شوند و فرد خود را متعلق به جامعه بداند و خانواده نقش حمایتی خود را از دست بدهد. این تقسیم جدید نقشها باعث تغییراتی در شخصیت افراد شد و شکل خانواده جدید را دگرگون کرد (آشفته، 1380). خانواده ایرانی در هفتاد سال اخیر دگرگونیهای نسبتاً چشمگیری را از لحاظ ساخت، کارکرد و ارزشهای فرهنگی تجربه کرده است. دلیل اصلی این تحولات در ایران عبارت بودند از: آغاز نوسازی لوازم و پیامدهای آن، از جمله تغییر ساخت اقتصادی، رواج شهرنشینی، اشاعه فرهنگی غرب، دخالت دولت در امر خانواده از طریق وضع قوانین در مورد ازدواج و طلاق، مهاجرت روستاییان به شهر و پدید آمدن امکان رشد طبقات متوسط در شهرهای ایران از طریق رشد آموزش عمومی و تخصصی جهت تصدی مشاغل صنعتی و خدماتی. این تحولات موجب شد تا جامعه ایرانی سادگی قدیم خود را از دست بدهد و گروههای گوناگونی از لحاظ ساخت و کارکرد پیدا شوند و روابط میان این گروهها نیاز پیچیدگی بسیار پیدا کند (تنهایی، 1382). از نظر اشکال ازدواج نیز خانواده ایرانی در نیم قرن اخیر

شاهد سیری از چند زنی به یک زنا‌ی بوده است. از دلایل این تحول میتوان به ضرورت تحرّج جغرافیایی، اشتغال زنان به فعالیت های اقتصادی بیرون از خانه، زیاد بودن فرزندان در جامعه غیرکشاورزی، دشواری معیشت خانوادگی و افزایش هزینه های زندگی و افزایش توقعات زنان اشاره کرد. اعتقاد به سلسله مراتب، اعتبار و قدرت ریایی خانواده، برتری جنسی مرد در نقش پدر، برادر و شوهر در جامعه شهری در حال تحول است. به عبارت دیگر خانواده ایرانی فعال چه در حالت انتقال از نظام پدرسالاری به سیستم خانواده مدرن است. این دگرگونی در میان شهرنشینان رایجتر از روستاییان است. وجدان اجتماعی اقشار آگاه جامعه، تعدد زوجات را منع میکند و برای عامه مردم موانعی جلوی این کار را گرفته است. تهاجم و نفوذ تمدن غرب و تحول اقتصاد کشاورزی به صنعتی به خانواده شهری شکل جدیدی داده است. در مجموع میتوان گفت ازدواج در ایران بر اثر تحولات ژرفی که در اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این جامعه صورت گرفته مرحله انتقالی را طی میکند و مشخصات قبلی آن دستخوش دگرگونی شده است (هیول، 1388). ازدواج را میتوان از دیدگاههای مختلف مورد مطالعه قرار داد. به همین جهت تعاریف متفاوتی برای ازدواج ارائه شده است: ازدواج را گاه رسم و گاه نهاد اجتماعی خوانده‌اند و به پیوند جسمانی و اشتراک در زندگی میان مرد و زن اطلاق میشود که به موافقت قانون یا عرف و یا دین حاصل میگردد (میشل، 1381) کارلسون در اثرش تحت عنوان انطباق پذیری و ارتباط در ازدواج، این تعریف را از ازدواج به دست میدهد: ازدواج فرایندی است، از کنش متقابل بین دو فرد. یک مرد و یک زن، که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته‌اند و به طور کلی عمل آنان مورد پذیرش قانونی قرار گرفته است (تیلر، 1388). سن شروع پیوند جنسی (ازدواج) در جوامع مختلف، بین زن و مرد کاملاً فرق میکند. عوامل موثر در سن ازدواج عبارتند از: سن بلوغ، مقررات دینی و مذهبی، آداب و سنن، فرهنگ جامعه، قوانین و مقررات اجتماعی، وضع اقتصادی، نوع شغل، میزان تحصیلات و جنسی فرد. عامل مهم دیگری که در سن ازدواج موثر است، نظام خانواده است. در جوامعی که نظام خانواده گسترده شایع است، سن ازدواج معمولاً پایین است. در این نظام که مسئولیت تربیت فرزندان بین همه اعضای خانواده مشترک است، بچه‌ها به آسانی مورد قبول قرار میگیرند. برعکس در جوامعی که هنجار آن، خانواده هسته‌ای است مسئولیت بزرگ

کردن فرزندان عمدتاً بر دوش والدین بوده و ازدواج آنقدر به تاخیر میافتد تا فرد بتواند از عهده این مسئولیتها برآید. بنابراین میتوان گفت که سن ازدواج، از بسیاری از عوامل اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی تبعیت میکند. معمولاً در اغلب جامعه‌ها برای مردان و زنان با توجه به شرایط جسمانی، سن بلوغ و موازین عرفی و مذهبی، حداقل سن برای ازدواج تعیین میشود که قبل از رسیدن به آن برای هر دو جنس ازدواج قانونی ممنوع است. هوارد تیلر میگوید: با توجه به اینکه یکی از عوامل اصلی ازدواج کشش جنسی است، بنابراین عامل بلوغ در آن نقش اساسی دارد و ازدواج در بیشتر موارد پس از سن بلوغ انجام میشود. سن متوسط بلوغ برای افراد از کمی بیش از 12 سال تا 10 سال تغییر میکند. او در ادامه میافزاید: البته شواهد نشان میدهد که نوسان سنی فوق بین جمعتهای مختلف دارای مبانی وراثتی است، ولی به طور کلی سن متوسط بلوغ در برخی از جوامع زودتر فرا میرسد و در برخی دیرتر. این نوسان عموماً متناسب با اوضاع تغذیه و استانداردهای زندگی در ارتباط است (تیلر، 1388). البته باید اشاره کرد سن شروع بلوغ همیشه به این مفهوم نیست که زن بلافاصله بعد از آن میبایست ازدواج نماید. آلنزی‌راد مینویسد: آگاهیهای جمعیت‌شناسانه درباره سن همسران به هنگام ازدواج بسیار مفید است. میدانیم که بیشتر اوقات افراد هنگامی باهم پیوند زناشویی میندند که از لحاظ سنی به هم نزدیک باشند (ساروخانی، 1380). دوبله سی لوگبیل خاطر نشان میسازد: در رژیم قدیم هر چه سطح زندگی پایینتر بود سن ازدواج دختر عقبتر میرفت ولی در سن ازدواج مردان تاثیری نداشت. از طرف دیگر هنگام بحران و کمی محصول، سن ازدواج در طبقات فقیر از دو حال خارج نبود، یا دخترها خیلی زود شوهر میکردند و یا اصلاً شوهر نمیکردند. او نتیجه میگیرد که وقتی سطح زندگی اقتصادی - اجتماعی پایین بیاید روز به روز تعداد زنهایی که از شوهرانشان مستتر هستند بیشتر میشود (میشل، 1381). آشفته تهرانی در مقاله آمارهای زیستی در ایران و جهان مینویسد: هر چه ازدواج بین زنان و مردان در سنین پایینتر و نزدیکتر به سن بلوغ صورت گیرد پیشروی ازدواج در آن جامعه بیشتر است. در بیشتر کشورهای توسعه نیافته زنان کمتر از 22 سال به زناشویی و فرزندزایی میپردازند و حال آنکه در جامعه‌های پیشرفته سن زناشویی به منظور به تاخیر انداختن باروری حتی به بعد از 80 سالگی نیز می‌رسد (آشفته، 1380). با توجه به اینکه شواهد حاکی از آن است که سن ازدواج افزایش یافته است، ولی

هنوز هم در بسیاری از مناطق به دلیل مختلف، دختران در سنین پایین و غیرقانونی تن به ازدواج می‌دهند. و با توجه به اینکه این نوع ازدواجها به صورت قانونی و ثبت شده نمیباشند تا آمار دقیق آنها مشخص گردد ولی متأسفانه آمار این نوع ازدواجها رو به افزایش میباشد.

2-7- نظریه‌های خانواده

- تئوری کارکرد گرایی

امیل دورکیم (1911) در کتاب تقسیم کار اجتماعی ضمن اشاره به انتقال انسجام از مکانیکی به ارگانیکی، آثار آن را به صورت بروز بی‌هنجاری، اختلال و نابسامانی در روابط، قواعد و ارزش های اجتماعی بررسی میکند. به عقیده وی با گذر به جامعه ارگانیکی وجدان جمعی ضعیف میشود، فردیات افراد رشد مییابد و اختلال و نابسامانی در قواعد و ارزشها شایع میگردد. به عقیده دورکیم خانواده تحولات عمده‌ای را پشت سر گذاشته است. وی میگوید: خانواده گروه طبیعی نیست که به وسیله والدین بنا شده باشد، بلکه نهادی است اجتماعی که عوامل اجتماعی آن را به وجود آورده‌اند. زیرا قاعده دورکیم به این است که هر عمل اجتماعی را به وسیله یک عامل اجتماعی دیگر تبیین میکند. از طرف دیگر، خانواده زن و شوهری که بر مبنای ازدواج است، انتهای تحولی است که در جریان آن خانواده پدید می‌آید. به طوری که ارتباط مستقیم فرد با اجتماع وسعت بیشتری میگیرد. این تحول از اولین شکل خانواده که یک گروه سیاسی خانوادگی است آغاز میشود و پس از گذشت از مراحل کلی در خانواده پدرسالاری رم قدیم در خانواده پدری ژرمنی، به خانواده زن و شوهر امروز منتهی میشود. خانواده هسته-ای کوچکترین واحد خانوادگی است هم اسلف از آن جدا شده‌اند، هم اخلف در آن به غایت اندخ است (آزادارمکی، 1381).

- تئوری نوگرایی آنتونی گیدنز

یکی از مهمترین آفتهای اجتماعی که هر جامعه‌ای را با مشکل جدی مواجه میسازد، فقدان اعتماد میان اعضای جامعه یا به اصطلاح بی‌اعتمادی است. گسترش بی‌اعتمادی و دورویی در روابط اجتماعی و گسترش انواع

انحرافات اخلاقی در سطح جامعه، به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز تسری یافته و اساساً کیفیت ارتباط با دیگران را دچار شک و تزلزل کرده است (گیدنز، 1388). اگر سایر ویژگیهای مدرنیسم مانند خردگرایی، فردگرایی، افسونزدایی، پوچگرایی و دگرگونی را نیز در نظر بگیریم، در هر کدام از آنها نیز میتوانیم این تحولات را شرر دهیم. اما مساله این است که مدرنیته و ابعاد مختلف آن، بدون واسطه‌های تغییر از جمله شهرنشینی، کاهش نفوذ نظام خویشاوندی، تحرک جغرافیایی، تکنولوژی و تکنولوژی اطلاعات، اشتغال زنان، جنبش حقوق زنان و تنوع‌پذیری نهادهای اجتماعی نمیتوانستند در خانواده موثر باشند. به بیان دیگر، تغییری که در جامعه مدرن اتفاق افتاده، باعث شده است برخی از ویژگیهای ازدواج در جامعه سنتی، مانند نوع انتخاب همسر و دخالت در آن، ازدواجهای فامیلی، چند زنی، قابلیت فرزندآوری، فاصله سنی زن و مرد، پدیده ازدواج مجدد و ... تغییر کنند. آبراهام مازلو معتقد است که نیازهای انسان دارای یک سلسله مراتب هستند: نیازهای پایین یا دون و نیازهای عالی. یعنی برای انسانها ابتدا نیازهای جسمی نیاز پایین مهم هستند. بعد از ارضای نیازهای جسمی نیاز به ایمنی برای انسان مطرح میشود و بعد از آن روابط، بعد احترام تا بالاخره در انسان هایی که همه نیازهایشان برطرف شده است، نیاز متعالی به تفکر درباره معنی و محتوا به خود رسیدن مطرح میشود (رفیعی‌پور، 1380). بنابراین بر طبق این نظریه نیاز به عزت نفس، تایید، احترام، منزلت و خویشتن‌بایی موجب گرایش به پدیده‌های مانند ازدواج در سنین پایین میشود. رسانه‌های جمعی یکی دیگر از نهادهای مهم که نقش موثری در گرایش افراد به ازدواج بازی میکند، وسایل ارتباط جمعی است که با بخش بزرگی از مردم سر و کار داشته و وظیفه اطلاع‌رسانی به آنان را بر عهده دارد. رسانه‌ها عقاید، ارزشها و انتظارات افراد را تحت تاثیر قرار میدهد و ارزشها و سبک زندگی آنان از طریق رسانه‌ها ممکن میشود (بابایی، 1389). نسل جوان، امروزه در مقایسه با نسلهای گذشته کمتر زیر بار ارزشهای دیکته شده توسط خانواده می‌رود و به طور خلاصه میتوان گفت امروزه تنها مساجدها و مدرسه‌ها و سایر نهادهای اجتماعی جایگزین نقش تربیتی فرزندان نشده‌اند، بلکه رسانه نیاز نقش مهمی در این میان دارد و فرزندان الگوهای رفتاری خود را در بسیاری موارد از رسانه اخذ میکنند (خسروی، 1389). جامعه شبکه‌ای به عنوان یک پدیده نوظهور هم دارای آثار مثبت و هم دارای آثار منفی بر هویت دینی

و اجتماعی است. از جمله آثار مثبت آن میتوان به افزایش منابع هویتی و آزادی عمل افراد برای کسب منابع مورد نیاز، رهایی افراد از چنگال ایدئولوژیهای هویت ساز، فراهم آمدن واقعیات به گونه ای مجازی، دسترسی آسان به اطلاعات و منابع معرفتی و فقدان موانع در این راستا اشاره کرد. از سوی دیگر به آثار منفی چنین پدیده های نیز همانند تکه پاره گشتن سریع جوامع، دگرگونی منابع فرهنگی، به چالش کشیدن هویت های اصیل و سنتی، رواج هویت های سیال و ناپایدار و ... اشاره کرد (خسروی، 1389).

2-8- علل ازدواج زودرس

حدود یک دهه است که به این موضوع پرداخته شده است و علل زیر برای آن مطرح شده است: فقر: در شرایط سخت و تنگنای اقتصادی و در خشکسالی ها برخی خانواده ها به فکر ازدواج دخترشان می افتند تا از بار اقتصادی بکاهند. در اینجا کودکان به عنوان کالایی برای رفع احتیاج خانواده های فقیر مورد معامله قرار می گیرند. اما خوب است بدانیم با این که در بیشتر جوامع مصداق دارد اما همیشه این طور نیست بلکه فقر ممکن است حتی ازدواج را به تاخیر بیندازد. در بررسی که توسط وزارت جهاد کشاورزی در سال 2003 در شهر یزد به منظور بررسی علت افزایش سن ازدواج صورت گرفت، معلوم شد عده زیادی از پدران مانع از ازدواج دخترانشان می شدند تا بتوانند از کمک آنان در کسب درآمد خانواده بهره گیرند. همچنین معلوم شد، در این استان فقر عامل اساسی ازدواج زودرس نبود بلکه احترام به سنت ها و تعلقات خانوادگی عامل هدایت به آن بوده است (صفوی و مینایی، 1394). حفظ آبرو و شرف خانوادگی: به طور سنتی ازدواج زودرس به عنوان وسیله ای برای حفاظت دختران از رابطه جنسی قبل و یا خارج از ازدواج در نظر گرفته می شده است چرا که بکارت دختر اهمیت بسیار بالایی در برخی فرهنگ ها دارد. از طرفی ارزش و جایگاه مادری و همسری در جامعه و عوامل فرهنگی و اجتماعی در تداوم آن نقش دارند. ملاحظات اخلاقی و آبرو نیز از عوامل موثر بر ازدواج کودکان محسوب می شود. علاوه بر این والدین احساس می کنند با ازدواج زودرس دخترانشان می توانند ضامن امنیت جنسی آنان شده و به نوعی دوشیزگی دختر و امنیت جسمی، جنسی و آینده او را نیز تضمین نمایند. عوامل فرهنگی و اجتماعی:

سطح تحصیلات زن متغیری بسیار مهم برای ازدواج زودرس است. در کشورهایی که دختران تحصیلات بیشتری دارند ازدواج زودرس کمتر است ضمن این که به طور کلی ازدواج زودرس در جوامع روستایی بیش از شهری است (میرز و هاروی، 2011). در زمینه فرهنگی ایران ارزش های سنتی در ارتباط با خانواده، سیستم پدرسالاری حمایت دینی و مذهبی برخی دلایل ازدواج زودرس هستند. در کشور ما ازدواج زودرس تا حد زیادی با دین و مذهب آمیخته است. در بررسی انجام شده در یکی از شهرهای کشور که دارای ویژگی های فرهنگی سنتی و مذهبی و توسعه اجتماعی اقتصادی بالایی است، با این که بیشترین آمار تحصیلکرده ها را در کشور دارد ولی ازدواج زودرس در آن بالاست. اهالی این شهر هنوز نگرش مثبت به ازدواج زودرس دارند. در این شهر بطور عمده مقاومتی در برابر ازدواج زودرس در کار نیست، حتی برخی دختران خود تمایل زیاد به ازدواج زود هنگام دارند و نمی خواهند شانس ازدواج را از دست بدهند. بنابراین به سادگی نمی توان افزایش سطح سواد را مساوی با کاهش میزان ازدواج زودرس دانست چون این موضوع فقط به تحصیلات مربوط نمی شود. امروزه در بسیاری از جوامع دختران می توانند به مدرسه بروند اما زود هم ازدواج می کنند و ضرورتا این تحصیلات منجر به توانمندی زنان نمی شود. در هم روی این واقعیت تاکید شده است که بهبود فقط در یک جنبه مثل آموزش نمی تواند ضامن توانمند سازی زنان باشد (صفوی و مینایی، 1394). پیامدهای منفی ازدواج زودرس با وجود این که دختران با نوعی برتری نسبی از نظر بیولوژیک در مقایسه با پسران بدنیا می آیند و این مسئله، آنان را در برابر عفونت ها و سوء تغذیه مقاوم می کند، این امتیاز طبیعی به دلیل رفتارهای تغذیه ای متفاوت، فشارهای بیش از حد ناشی از کار، فقدان تحصیلات کافی و بارداری های زودرس و متعدد از بین می رود. با ازدواج یک کودک، او ممکن است در معرض رابطه جنسی اجباری قرار بگیرد و برای او که هنوز از نظر جسمی و جنسی تکامل نیافته، بشدت می تواند عواقب تهدید کننده سلامتی به همراه داشته باشد لذا زن باردار جوان با خطرهای جسمی، تکاملی، و مسائل جدی روانی و اجتماعی و اقتصادی روبروست (میرزو هاروی، 2011). نوجوانان متاهل معمولا دارای ویژگی های زیر هستند: "فاصله سنی زیاد با همسر"، محدودیت حمایت اجتماعی، "تحصیلات کمتر"، فشار زیاد برای باردار شدن و حاملگی زودرس، "افزایش خطر مرگ و میر مادر و کودک"، "افزایش آسیب پذیری در برابر

HIV و سایر بیماری های مقاربتی *انزوای اجتماعی* دسترسی کمتر به رسانه های جدید *نداشتن مهارت برای ورود به بازار کار این نکته تصادفی نیست که در کشورهای دارای آمار بالای ازدواج زودرس، میزان بالای نرخ تولد و مرگ، فقر، پایین بودن سطح توسعه، کم بودن اشتغال و مراقبت های بهداشتی وجود دارد. کشورهایی در شرق آسیا مثل تایوان، کره جنوبی و تایلند توانسته اند با رشد اقتصادی و ایجاد فرصت ها، کاهش نرخ تولد و مرگ، افزایش موقعیت آموزشی و گزینه های شغلی و استخدامی برای دختران با موفقیت سنت مضر ازدواج کودک را ریشه کن کنند (دیویس و همکاران، 2013) عوارض جسمی نوجوانان و کودکان در اثر ازدواج زودرس بسیار آسیب پذیر می شوند. بین سن مادر و مرگ او در بارداری رابطه قوی وجود دارد. دختران 10-14 ساله 5 بار بیشتر در معرض احتمال مرگ در اثر حاملگی در مقایسه با گروه سنی 20-24 سال قرار دارند. این احتمال برای 15-19 سال 2 برابر است. البته ذکر می شود این میزان مرگ بالا فقط وابسته به سن نیست بلکه علاوه بر عدم تکامل فیزیکی، موقعیت اقتصادی اجتماعی پایین که مانع دسترسی آنان به مراقبت های مامایی و بارداری می شود نیز در این مسئله نقش دارد. بارداری در نوجوانان ممکن است با افزایش سقط، زایمان زودرس، افزایش تولد نوزادان کموزن، افزایش مرگ و میر قبل و پس از زایمان، آنمی، پره اکلمپسی، افسردگی، خستگی مزمن و مفرط، تحصیلات کم، افزایش حاملگی ناخواسته و ناتوانی در استقلال همراه گردد. لذا نوجوانانی که زودهنگام ازدواج می کنند و باردار می شوند بسیار آسیب پذیر هستند (سینگ و سامارا، 2009). همچنین فستول های مامایی و زایمان سخت و طولانی از دیگر مشکلات بهداشت باروری این افراد است. بیشتر دختران نوجوان و جوان در مناطق محروم و فقیر به سوء تغذیه مبتلا هستند و دارای شاخص توده بدنی کم، قد کوتاه و لگن باریک می باشند، که این امر در دختران 15-16 ساله ازدواج کرده اغلب سبب زایمان زودرس، زایمان مشکل و تولد نوزاد کم وزن می شود. بررسی ها نشان داده است 67 درصد دخترانی که در سن 15 سالگی و یا قبل از آن ازدواج کرده بودند دچار حداقل یکی از 4 عارضه مامایی شدند که عبارتند از: زایمان طولانی، خونریزی شدید، تب (بدلیل عفونت واژینال) و تشنج (میرز و هاروی، 2011). ازدواج کودکان دارای ریسک بشدت بالایی برای پارگی اندام های داخلی جنسی دختران است و حاملگی در سنین نوجوانی و کودکی با

افزایش میزان پره اکلمپسی و آنمی نیز همراه است لذا به واسطه این عوامل و بدون دریافت مراقبت های بهداشتی، پزشکی احتمال مرگ افزایش می یابد. این عروسان جوان در معرض افزایش ابتلا به ایدز و انواع بیماری های مقاربتی، مالاریا، زایمان پره ترم، مرگ مادر و نوزاد و سرطان گردن رحم هستند. هرچند مراقبت های مامایی خوب میتواند خطر عوارض زایمانی را کاهش دهد اما در بسیاری از موارد به دلیل نداشتن استقلال و آزادی، زنان جوان قادر به تقاضای دسترسی به مراقبت های بهداشتی نیستند. دلیل افزایش ابتلا به HIV و سایر بیماری های مقاربتی هم برخلاف تصور والدین که ازدواج زود هنگام می تواند سلامت دختران را نیز تضمین کند، ناشی از این است که شوهران ناقل بیماری های جنسی ناشی از ارتباط جنسی با افراد دیگر هستند. فاصله سنی و قدرت اقتصادی پایین تر دختران باعث می شود توان دختران در مذاکره پیرامون تصمیمات جنسی، استفاده از روش های پیشگیری و عمل رابطه جنسی کاهش یابد (دیویس و همکاران، 2013). مطالعات در کنیا و زامبیا نشان داد عروس های نوجوان با سرعت بیشتری نسبت به دختران مجرد فعال از نظر جنسی به HIV آلوده می شوند و این از قدرت کمتر آنان در حفاظت از خود ناشی می شود. ترک تحصیل دختران ازدواج کرده همچنین فرصت آشنایی با مسایل بهداشت باروری را هم از آنان سلب می کند و خود زمینه ساز آسیب پذیری بیشتر آنان در برابر HIV می باشد. عوارض روانی اجتماعی عبور از دوران کودکی به بزرگسالی بطور طبیعی با فشارهای روانی، اجتماعی نسبتا شدیدی روی رشد نوجوان همراه است. لذا هرگونه استرس اضافی مثل آنچه در ازدواج زودرس و خشونت جنسی ایجاد می شود فشارهای روانی اجتماعی را افزایش می دهد، ایفای نقش همسری و مادری برای یک دختر نوجوان به عنوان همسر او را در معرض آسیب های روانی قرار می دهد و بر ارتباطاتشان اثر می گذارد. لذا ازدواج زودرس سلامت روان را تهدید کرده و افسردگی را افزایش می دهد دخترانی که قبل از 18 سالگی ازدواج کرده اند تحصیلات کمتر و تعداد بچه های بیشتری دارند. همسران آنان معمولا مسن تر هستند و خشونت بیشتری را تحمل می کنند. حتی این گروه معتقدند که مرد حق دارد گاهی زنش را کتک بزند بدیهی است به دلیل عدم تحمل شرایط نابرابر و ناتوانی در قدرت حل مشکلات، راهی جز فرار از خانه در بین این زنان خودکشی و حتی گاهی همسرکشی باقی نمی ماند و زنانی که با تمام فقر مالی، آموزشی و

مهارتی و عدم توازن قدرت، حمایت قانون و دیگران را برای خود نمی یابند به آن اقدام می کنند .شیوع اختلالات خلقی از جمله افسردگی، اختلالات اضطرابی، وسواس و اختلالات پانیک را از پیامدهای ازدواج دختران در سنین کودکی می دانند. افزایش طلاق، کشمکش، فرار از خانه، رابطه خارج از چارچوب زندگی مشترک و قتل همسر در چنین خانواده هایی وجود دارد. چون ازدواج این زنان تحمیلی بوده بعد از بلوغ فکری و آگاهی از تضیع حقوق خود در خانواده و تلاش برای گسست از یک محیط آسیب زا، برای مراقبت از خود، جدایی را بر می گزینند (سینگ و سامارا، 2003). ازدواج زودهنگام اثر قابل توجهی در عروس های خردسال از نظر سطح پایین آموزش، بهداشت ناچیز و فقدان استقلال شخصی بدنبال دارد و نیز از دیگر پیامدهای آسیب رسان ازدواج کودکان جدایی از خانواده و دوستان و از دست دادن حمایت آنها، ازدست دادنزادی تعامل با همسالان و مشارکت در فعالیت های اجتماعی و کاهش فرصت های آموزشی است. در حقیقت فرصت های رشد و توسعه و تکامل را از آنان سلب، انتخاب های زندگی را محدود، و سلامت آنان را تضعیف می کند . راهکارهای پیشگیری از ازدواج زودرس از آنجاکه ازدواج زودرس با تحصیلات کمتر و در آمد پایین تر برای زنان همراه می باشد لذا یکی از مهمترین عواملی که محققین در پیشگیری از ازدواج زودرس مطرح می کنند، تحصیلات و دستیابی به سطوح بالای سواد و اشتغال در زنان می باشد. افزایش سطح سواد زنان و آموزش مهارت های زندگی از دوران کودکی گامی بسیار مهم در جهت توانمند سازی آنان و رفع تبعیض جنسیتی خواهد بود. بدین ترتیب قدرت زنان در داخل خانه افزایش می یابد، و بر مشارکت فعال آنان در امور اقتصادی و سیاسی تاثیر می گذارد از آنجاکه فقر یکی از عوامل مهم ازدواج زودرس می باشد دولت ها باید با تدوین و اجرای سیاست های فقرزدایی در جهت سلامت زنان بکوشند .لازم است والدین و جامعه از عوارض سوء جسمی و اجتماعی ازدواج زودرس آگاه شوند و چنانچه ازدواج زودرس صورت گیرد بارداری تا بعد از سن 18 سالگی به تاخیر بیفتد . دختران باید از توان انتخاب و تصمیم گیری در مورد ازدواج وموضوعات بهداشت باروری و سلامت خود بهره مند شوند (مقدادی و جوادپور، 1396).

2-6- پیشینه‌ی تجربی پژوهش

- قدسی، احمدبرآبادی و حیدرینا (1397) در تحقیقی با عنوان اثربخشی روایت درمانی بر کاهش گرایش به طلاق و مؤلفه‌های آن در زنان با ازدواج زودهنگام به نتایج دست یافتند که: روایت درمانی بر کاهش گرایش به طلاق موثر بوده است و تمایل به خرج از رابطه را کاهش و ابعاد ابراز احساس و وفاداری را افزایش داده است.
- صفوی و مینایی (1394) در تحقیق با عنوان "تجربه‌ی زیسته‌ی دختران نوجوان در نقش همسر در شهر آران‌بیدگل" به این نتایج دست یافتند که این زنان در فرایند انتخاب همسرانشان دخیل نبوده‌اند و به رشد کافی عقلی نرسیده بودند و ازدواجشان درحقیقت توافقی میان والدین دختر و پسر بوده است؛ بنابراین این دختران حتی تصور و شناخت درستی از ازدواج و مسئولیت‌های مربوط به آن نداشته‌اند و از نظر روابط اجتماعی و فرهنگی در جامعه و همچنین روابط شخصی نظیر برقراری ارتباط مناسب با همسر، فرزندان و اطرافیانشان دچار مشکلات فراوانی شده‌اند و از سوی دیگر به دلیل آموزش ندیدن در زمینه‌ی مسائل جنسی، بارداری در سنین پایین، زمینه ساز مشکلات جسمی و روانی برای این افراد بوده است.
- مقدادی و جوادپور (1396) در تحقیق با عنوان تاثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن به این نتایج دست یافتند که: مسائلی مانند فقر، عوامل فرهنگی و اجتماعی، حفظ آبرو و شرف خانوادگی و... زمینه وقوع ازدواج زودرس را فراهم می‌نماید که با وجود ویژگی‌های بارز کودکی در رابطه زناشویی و عدم آموزش و آگاهی‌های اجتماعی لازم می‌تواند منجر به تضییع حقوق کودک و آزار و بهره‌کشی از وی شود و از دیگر سو می‌تواند سلامت جنسی کودکان را تحت تأثیر قرار دهد و منجر به بیماریهای جسمی، روحی و روانی، افزایش حاملگی و زایمان زودرس و ... شود. از این رو ارتقای آگاهی‌ها و پیشبینی تکالیف و تعیین مجازات‌های مناسب، چنین پدیده‌های را محدود ساخته و امکان بروز چنین پیامدهای ناگواری را کاهش می‌دهد.

- تقلید و تأثیرپذیری اجتماعی در نوجوانی بیشتر اتفاق می‌افتد و احتمال تجربه روابط خارج از ازدواج در زوجهای جوانتر و کم سن و سال تر بیشتر است (آماتو و راجرز، 1997).
- روایت‌درمانی با درگیر کردن افراد در گفتگوهای درمانی، کمک میکند بر مشکلاتشان غلبه کنند (اسکریت، 2010). داستان‌هایی که زوجین درباره روابط خود بیان می‌دارند، نشان‌دهنده تلاش آنها برای معاینه‌ی روایتی به تجربیاتشان از صمیمیت با زوج دیگر است (فراست، 2013). افرادی که قادر به روایت اتفاقات عاطفی زندگی خود هستند، در بیشتر روش‌های خود انعکاسی، سلامت فیزیکی و روانی بهتری را نشان می‌دهند (فیووش، بوهانک و زامان، 2011).
- بنابراین با عنایت به عواقب سوء و آثار منفی فراوانی که ازدواج زودهنگام و طلاق بر سلامت، رشد و حقوق کودکان، به ویژه دختران دارد و اغلب با از دست‌دادن فرصت آموزش، منزوی شدن به لحاظ اجتماعی، بهره‌کشی و خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی از سوی شوهران خود، همراه می‌باشند، ضرورت انجام این پژوهش به خوبی نمایان می‌شود. شروع زندگی مشترک و ایفای تکالیف مربوط به آن، مستلزم آمادگی و قوای جسمی و رشد و قوای عقلانی افراد است، بی‌تردید در پرتو احترام به کرامت انسانی و برخورداری کودک از حق مشارکت و تصمیم‌گیری و با رعایت مساوات، عدم تبعیض و مصالح عالیه وی، باید از اعمال هر گونه آسیب جسمی، روانی و جنسی بر کودک ممانعت نمود. از این رو ازدواج زودهنگام و اجباری کودک یکی از مواردی است که می‌تواند به شدت سلامت جنسی و نیز سلامت جسمی، روحی و روانی را تحت تأثیر قرار دهد. در واقع عاملی است برای نقض حق بهداشت و سلامت و زمینه‌ای برای بهره‌کشی و سوء استفاده جنسی می‌باشد. پدیده ناگواری که عامل آزار و خشونت علیه کودکان است و با فقر، بیماری و بی‌سوادی و ناتوانی همراه می‌باشد.

Commented [M6]: این مطالب به شدت آشفته هستند.

- پداو (2006) در مطالعه علل بروز فساد اداری از طریق پی‌بردن به آسیب‌ها و پیامدهای این پدیده بیان

داشتند که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، عامه مردم، سازمان‌های غیردولتی و رسانه‌ها، فساد

اداری را تنها عامل اصلی تحت سلطه دیگران بودن و رشد اقتصادی ضعیف عنوان می‌کنند.

- پارک^۱ (2003) در بررسی‌های عوامل تعیین‌کننده فساد اداری بدین نتایج دست یافت که آزادی اقتصادی،

ثبات اجتماعی-سیاسی، سنت حقوقی و فرهنگ ملی، متغیرهای اصلی است که میزان فساد را تعیین می‌کند.

Commented [M7]: خب چه ربطی به ازدواج در سن کودکی دارد. بخش عمده‌ای از قایل حاضر را مطالب فوق تشکیل می‌دهد که ظاهراً ادبیات تحقیق است اما اولاً به لحاظ روش تحقیق شما باید توضیح دهید که ادبیات نظری چه نقشی در این تحقیق ایفا می‌کند در حالیکه روش شما اصلاً نیازی به این ادبیات ندارد چرا که اگر داشت که روش دلفی نمی‌شد؛ ثانیاً بسیاری از مطالبی که اینجا طرح شده مربوط به موضوع و مسائل دیگر است و اصلاً ربطی به خود کودک همسری ندارد. نمونه اش همین بحث فساد اداری!

فصل سوم:

مواد و روش‌ها

1-2- روش پژوهش

در این پژوهش، برای دستیابی به فهم عمیق از دلالت های تربیتی سازندگی گرایی بر آموزش از دور و افزایش تعمیم پذیری یافته ها؛ استفاده صرف از روش های کیفی یا کمی کافی نبوده و می بایست از روش تحقیق آمیخته از نوع طرح اکتشافی (شناسایی دلالت های کودک همسری) استفاده شود. اصلی ترین عوامل با توجه به ادبیات و پیشینه پژوهش شناسایی خواهند شد. مفروضه اساسی در تعریف روش آمیخته این است که ترکیب کردن رویکردهای کمی و کیفی در مقابل استفاده از یک رویکرد (کمی یا کیفی) درک و شناخت بهتر و اسناد قابل قبول تری از مسئله تحقیقی ارائه می دهد (بلاچ و سورنسن، 2014). در نتیجه، محققان می توانند برای جمع آوری داده ها از همه ابزارهای موجود (مصاحبه گروه های کانونی و پرسشنامه و ...) استفاده کنند. از مهم ترین دلایل ضرورت به کارگیری نگاه ترکیبی در پژوهش های تربیتی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

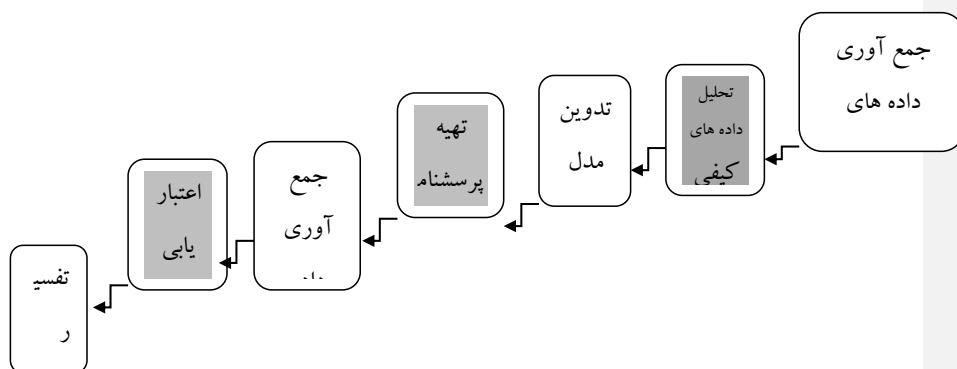
1- پدیده ها به اندازه ای پیچیده اند که بررسی جنبه های آن مستلزم کاربرد رویکرد ها و روش های مختلف است

2- حوزه های علوم انسانی فاقد قطعیت و عینیت حوزه های علوم طبیعی است، لذا برای افزایش قابلیت کاربرد یافته ها در زمینه تصمیم گیری، استفاده از رویکرد ترکیبی ضرورت دارد.

3- هر کدام از رویکرد ها دارای مزیت ها و محدودیت هایی است که با استفاده ترکیبی از آنها می توان محدودیت ها را کاهش داد و بر دامنه مزیت ها افزود.

4- امروزه در هیچ حوزه ای نمی توان بعد کمی و جنبه کیفی را از یکدیگر جدا کرد. هر پدیده ای ابعاد کمی و کیفی را به صورت توانمند داراست و پدیده های تربیتی نیز به نحو بارز از این ویژگی برخوردارند (نصر و شریفیان، 1386).

این پژوهش در طی دو مرحله کلی انجام خواهد شد. در مرحله اول، داده های کیفی با استفاده از مصاحبه با متخصصان گردآوری خواهند شد و در مرحله دوم، داده های کمی به وسیله پرسشنامه اعتبار یابی می شوند با توجه به مطالب فوق ، نمودار مراحل انجام تحقیق در شکل 1 آمده است:



شکل (1): طرح انجام پژوهش با روش تحقیق آمیخته از نوع اکتشافی

از آنجا که، دستیابی به شناخت عینی تر از دلالت های کودک همسری و راهکارهای مقابله با آن مهمتر از

بخش کمی بوده لذا، اولویت به روش کیفی داده شده است و در این پژوهش از طرح تحقیق آمیخته

اکتشافی-متوالی در این پژوهش استفاده خواهد شد. بنابراین در مرحله اول، برای کاوش و شناسایی و

دستیابی به یک الگوی نظری تحلیلی، برای جمع آوری داده های کیفی از روش کیفی دلفی (متشکل از

6-12 نفر متخصصان مجرب، دارای تحصیلات عالیه (کارشناسی ارشد و دکتری) و آشنا به مباحث ازدواج

و کودک همسری) بر مبنای نمونه گیری هدفمند استفاده خواهد شد؛ تا اطلاعات گردآوری سپس محتوای

متن مصاحبه ها کدگذاری و تحلیل می شود تا مقوله ها و عوامل اصلی و فرعی شناسایی و طبقه بندی شده و

با مبانی نظری، مطابقت داده شود تا زمینه لازم برای ساخت ابزار اندازه گیری طرح تحقیق (پرسشنامه) فراهم

شود، سپس از طریق پرسشنامه محقق ساخته، داده های کمی گردآوری می شود. در مرحله دوم، روش کمی

برای رسیدن به اعتبار یافته ضریب آلفای کرونباخ، مورد استفاده قرار خواهد گرفت. و داده ها از طریق نرم

افزار SPSS تحلیل خواهند شد.

2-2- جامعه آماری

مرحله کیفی: انتخاب شرکت کنندگان روش دلفی، بیشتر بر نمونه گیری هدفمند تکیه دارند (میلز و هابرم، 1984).

مرحله کمی: جامعه ی آماری این مطالعه شامل اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دکتری روانشناسی، مشاوره، جامعه شناسی و علوم تربیتی از دور خواهد بود.

2-3- نمونه ی آماری و روش نمونه گیری

در این پژوهش نیز، پژوهشگر، شرکت کنندگان را بر پایه طرح پژوهش و توانایی همکاری آنان با آن انتخاب می کند. در این روش نمونه گیری وقتی خاتمه می یابد که هر مقوله به اشباع نظری برسد. مقصود از اشباع نظری، مرحله ای است که در آن داده های جدیدی در ارتباط با مقوله پدید نیایند، مقوله گستره مناسبی یافته و روابط بین مقوله ها برقرار و تأیید شده است. از آنجا که به علت حجم جامعه و پراکندگی؛ امکان مطالعه و کسب دیدگاههای کلیه افراد بطور دقیق، میسر نمی باشد، به منظور استنباط پارامترهای جامعه از نمونه برداری با استفاده از فرمول کرجسی مورگان استفاده شد

Commented [M8]: نیازمند توضیح است.

Commented [M9]: مبهم است این آمیختگی بین کمی و کیفی آن هم در روش دلفی؛ توضیحات روشنی می طلبد

Commented [M10]: مباحث کلی را بهتر است حذف کنید.

2-4- ابزار جمع‌آوری داده‌ها

توالی گردآوری داده‌ها در طرح‌های تحقیق آمیخته اکتشافی بدین صورت است که، ابتدا داده‌های کیفی و سپس داده‌های کمی گردآوری می‌شوند تا تعمیم‌پذیری یافته‌ها را میسر سازد (بازرگان، 1387).

■ **مصاحبه گروه دلفی:** گروه دلفی یک راهبرد تحقیق است که شامل مصاحبه و مباحثه گروه کوچکی از افراد متخصص (12-6 نفر) بر روی موضوعی برای یک دوره زمانی است (به نقل از گیبس²، 1997). مرحله اول: **مفهوم‌سازی؛** که هدف از مصاحبه، نوع اطلاعات به لحاظ اهمیت ویژه آنها؛ مرجع درخواست‌کننده اطلاعات، تشریح می‌شود.

مرحله دوم: **مصاحبه؛** تهیه پرسش‌های مربوطه و مصاحبه با متخصصین (بایستی تعداد سؤالات کمتر از 10 مورد باشد).

مرحله سوم: **تجزیه و تحلیل داده‌ها و تهیه گزارش؛** در این مرحله داده‌ها مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و گزارش نهایی تنظیم می‌شود (کروگر، 1988).

در این پژوهش نیز، نمونه‌گیری به صورت هدفمند، کیفی و معیارمحور خواهد بود و برای بهره‌مندی از غنای کافی، مصاحبه‌ای با تعدادی از اساتید و با سؤالات یکسان اجرا می‌شود تا آنجا که نظرات جدید دیگر ظاهر نشده و نظرات به حالت اشباع برسد. سپس داده‌های جمع‌آوری شده مرور شده و دست‌نوشته‌ها، فایل‌های صوتی و مشاهدات، یکپارچه می‌شوند و کدهایی برای نظرات نزدیک به هم ایجاد و داده‌های به‌دست آمده، تحت کدها سازماندهی خواهد شد. پاسخ‌های هر سوال به چند طبقه مشخص تقسیم و در نهایت گزارش نهایی نوشته می‌شود.

■ **پرسشنامه محقق ساخته:** پرسشنامه یکی از ابزارهای مفید و روشی مستقیم برای کسب داده‌ها است که بطور گسترده در پژوهش‌ها به‌ویژه پژوهش‌های علوم انسانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این پژوهش نیز پس از انجام مصاحبه با متخصصان و شناسایی مولفه‌های فرعی و اصلی پرسشنامه‌ای تدوین خواهد شد. پس از طراحی پرسشنامه، جهت اطمینان از پرسشنامه، اعتبار (روایی) و پایایی آن مورد آزمون قرار می‌گیرد. به منظور اطمینان از پایا بودن پرسشنامه و همسانی درونی سؤال‌ها، ضریب آلفای کرونباخ برای نمونه مقدماتی (30 نفر) محاسبه خواهد شد.

2-6- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری کیفی، توصیفی و استنباطی استفاده خواهد شد. داده

های کیفی پژوهش از طریق فرایند کدگذاری¹، تحلیل خواهد شد. هدف از تحلیل داده‌های کیفی کاوش

². Gibbs

مقوله ها، سازه ها، مفاهیم و ابعاد مشترک؛ کشف روابط بین این سازه ها؛ ساخت مدل نظری فرضی و ایجاد مبنای برای طراحی گویه های پرسشنامه بود. در روش نظام دار نظریه زمینه ای مراحل تحلیل داده ها از طریق کدگذاری باز^۲، کدگذاری محوری^۳ انجام می شود و به عرضه پارادایم منطقی یا تصویر تجسمی از نظریه در حال تکوین پایان می یابد (بازرگان، 1387).

کدگذاری باز عبارت است از « فرایندی تحلیلی که از طریق آن مفاهیم مشخص شده و ویژگی ها و ابعاد آن از درون داده ها کشف می شوند (اشتراس و کوربین، 1390). هدف از کدگذاری محوری « شروع فرایند پیوند دهی داده هایی است که در طی فرایند کدگذاری باز شکسته شده اند». در کدگذاری محوری، مقوله ها با مقوله های فرعی مرتبط می شوند. در مرحله کدگذاری محوری پژوهشگر یک مقوله کدگذاری باز را انتخاب می کند (به عنوان مقوله یا پدیده اصلی) و در مرکز فرایند مورد بررسی قرار می دهد، سپس سایر مقوله ها را به آن مرتبط می کند. سپس، از پس از تأیید روایی صوری از **ضریب آلفای کرونباخ** برای ارزیابی اعتبار پرسشنامه استفاده خواهد شد. نظر به این که در مطالعه حاضر لازم است مدل مفهومی به دست آمده از بخشی کیفی، آزمون شود؛ از **ضریب آلفای کرونباخ** در مرحله کمی استفاده خواهد شد (شوماخر و لومکس^۴، 1388).

Commented [M11]: قسمت روش شناسی ناقص است و صرفاً نقل قول از کتاب های دیگر است در حالیکه روش شناسی بایستی بیانگر مشخصات روش شناختی خود طرح باشد نه نقل مطالب کتاب های روش تحقیق.

¹ . Coding
² . Open Coding
³ . Axial Coding
⁴ . Schumacker and Lomax

فصل چهارم:

یافته های پژوهش

1-4 یافته های توصیفی

1-1-4 تحلیل و تدوین پرسشنامه

انتخاب حلقه صاحب نظران بخش بسیار مهمی از روش دلفی است. آگاهی این گروه، از موضوع مورد نظر، تضمین خوبی برای کیفیت بالای نتایج دلفی است. بنابراین حلقه اعضای دلفی در یک پژوهش، بر اساس تخصص انتخاب می شوند نه براساس فرآیند انتخاب تصادفی. پژوهشگر حلقه دلفی را بر اساس آگاهی شان از موضوع مورد نظر انتخاب می نماید (لینستون و تروف، 2002). بر همین اساس، در این پژوهش ابتدا لیست چهارده نفرهای از اساتید و متخصصانی که در ابعاد ازدواج و خانواده صاحب نظر بودند انتخاب شدند. پس از اطلاع رسانی راجع به موضوع پژوهش و فرآیند آن، ده نفر از این لیست، برای انجام مصاحبه، زمان لازم را در اختیار پژوهشگر قرار دادند. در مرحله اول، مصاحبه های نیمه ساختار یافته ترتیب داده شد. در این مصاحبه ها، سعی پژوهشگر بر آن بود که ابتدا رویکرد و نگاه متخصصان به موضوع «کودک همسری و علل و راهکارهای مقابله» با آن را مورد کنکاش قرار داده و مهمترین عوامل تأثیرگذار بر ارتقاء پایداری اجتماعی از نگاه آنان را شناسایی نماید و سپس یافته های حاصل از مرور منابع را با آنها در میان گذاشته و نظر آنها را جویا شود و در خالصه ای از نکات کلیدی آن در جدول 3 دیده می شود بر اساس جدول (1) و (2) نتایج و گویه های ذکر شده در جدول بر اساس مصاحبه گردیده و به دست آمدند.

Commented [M12]: ارتقاء پایداری اجتماعی
لااقل در این کپی پیست کردن دقت می کردید.

جدول 1: نتایج و علل به دست آمده از گروه متخصصان در طی فرایند مصاحبه

گویه های استخراج شده			
ردیف	علل قانونی	ردیف	علل فرهنگی قومی
1	وجود تبصره های قانونی برای نقض کودک همسری	1	پذیرش عرفی و چند نسلی کوک همسری
2	عدم جرمه های سنگین و سیاست های قهری	2	رسوم قومی و نشانه کردن کودکان
3	عدم شفافیت قوانین در مقابله با کودک همسری	3	عدم حق انتخاب در مسأله ازدواج
4	قانونی بودن ازدواج زیر 18 سال	4	مرد سالاری و تصمیم یک نفر به جای دیگران
ردیف	علل اقتصادی	ردیف	علل مذهبی - اعتقادی
1	کاهش فشار فقر والدین	1	تعیین سن بلوغ 9 ساله برای دختران
2	فرار از شرایط بد اقتصادی	2	تأیید ازدواج زودهنگام برای جلوگیری از گناه

ردیف	علل ناآگاهی	ردیف	علل خانوادگی
1	آگاهی و سطح سواد پایین خانواده بخصوص مادر	1	ازدواج فامیلی
2	باورهای غلط در ارتباط با ازدواج زود هنگام	2	ازدواج برای رفع کدورت های خانوادگی
3	فقر آموزشی-مهارتی در مورد ازدواج سالم	3	ارتباط خانوادگی و منزلت خانواده
ردیف	علل اجتماعی		
1	معضل اعتیاد		
2	بدنامی و پیشگیری از انگ اجتماعی		
3	هنجارهای اجتماعی		

جدول 2: نتایج و راهکارهای مقابله با کودک همسری به دست آمده از گروه متخصصان در طی فرایند مصاحبه

گویه های استخراج شده			
ردیف	راهکارهای قانونی	ردیف	راهکارهای فرهنگی قومی
1	غیر قانونی دانستن ازدواج زیر 18 سال	1	تغییر برداشت های عرفی کوک همسری
2	جریمه های سنگین و سیاست های قهری	2	آگاهی در ارتباط آسیب های کودک همسری
3	شفافیت قوانین در مقابله با کودک همسری	3	آموزش و توانمندسازی زنان
ردیف	راهکارهای اقتصادی		
1	کاهش فقر و ایجاد اشتغال		
ردیف	راهکارهای آگاهی		
1	افزایش آگاهی و سطح سواد خانواده و اجباری کردن تحصیلات دختران تا پایان متوسطه اول		
2	آموزش مهارتی در مورد ازدواج سالم		
ردیف	راهکارهای اجتماعی		
1	مبارزه با بدنامی اعتیاد		
2	آموزش های جنسی و مقابله ای به خانواده ها		
3	آگاهی سازی و تغییر باورهای عرفی در مستندها، فیلم ها و تبلیغات تلویزیونی و رسانه ای		

Commented [M13]: اعتیاد؟

در ابتدای پرسشنامه علل و راهکارهای کودک همسری همچنین پیشنهاد دسته بندی این 20 شاخص علل کودک همسری و 15 شاخص راهکارهای مقابله با کودک همسری هر کدام در هفت دسته یادشده از نگاه متخصصان گذشت. برخی، نظر خاصی در موافقت یا مخالفت با این مدل، اعلام نکردند و تعدادی نیز موافقت خود را با کلیت این دسته بندی به منظور حصول مدل نهایی، اعلام نمودند. نمره عامل ها جدول (3) و (4) عنوان شده است.

جدول 3. نمره متخصصان در مورد علل کودک همسری به هر شاخص در مرحله دوم دلفی

شاخص ها	الف	ب	پ	ت	ج	ح	د	ر	ز	س
وجود تبصره های قانونی برای نقض کودک همسری	5	5	3	5	5	5	4	4	3	5
عدم جریمه های سنگین و سیاست های قهری	5	5	5	4	5	5	5	3	4	5
عدم شفافیت قوانین در مقابله با کودک همسری	5	5	4	5	5	5	5	4	5	5
قانونی بودن ازدواج زیر 18 سال	5	5	4	5	4	4	4	4	5	5
پذیرش عرفی و چند نسلی کوک همسری	3	5	4	4	4	4	4	5	4	4
رسوم قومی و نشانه کردن کودکان	5	3	3	3	2	3	3	3	2	3
عدم حق انتخاب در مسأله ازدواج	5	4	4	5	4	3	3	3	3	3
مرد سالاری و تصمیم یک نفر به جای دیگران	4	5	5	4	5	4	4	4	4	3
فشار فقر والدین	4	5	4	5	4	5	5	5	5	5
قرار از شرایط بد اقتصادی	1	3	3	4	3	3	3	1	1	3
تعیین سن بلوغ 9 ساله برای دختران	4	5	5	5	4	4	4	4	4	4
تأیید ازدواج زودهنگام برای جلوگیری از گناه	5	4	5	4	4	4	3	4	4	1
آگاهی و سطح سواد پایین خانواده	5	5	5	5	5	4	5	4	4	4
باورهای غلط در ارتباط با ازدواج زود هنگام	5	5	5	4	4	4	4	5	5	5
فقر آموزشی-مهارتی در مورد ازدواج سالم	5	4	4	5	5	4	4	3	4	3
ازدواج فامیلی	2	5	3	3	2	4	1	2	1	4
ازدواج برای رفع کدورت های خانوادگی	3	2	4	2	3	4	1	3	2	3
ارتباط خانوادگی و منزلت خانواده	3	2	3	2	2	3	2	2	2	2
معضل اعتیاد	5	5	5	5	3	1	5	5	5	1
بدنامی و پیشگیری از انگ اجتماعی	5	5	2	1	1	5	4	4	5	4
هنجارهای اجتماعی	4	4	3	4	5	3	4	4	1	1

Commented [M14]: تفاوت های قابل تأملی در این نمره ها وجود دارد که نمی توان نسبت به آنها بی اعتنا بود.

جدول 4. نمره متخصصان در مورد راهکارهای کودک همسری به هر شاخص در مرحله دوم دلفی

شاخص ها	الف	ب	پ	ت	ج	ح	د	ر	ز	س
غیر قانونی دانستن ازدواج زیر 18 سال	5	5	5	4	5	5	5	5	5	5
جریمه های سنگین و سیاست های قهری	4	5	5	5	5	5	5	5	4	5
شفافیت قوانین در مقابله با کودک همسری	5	4	5	4	4	4	4	4	4	4
تغییر برداشت های عرفی کودک همسری	5	5	5	5	5	4	5	5	4	4
آگاهی در ارتباط آسیب های کودک همسری	5	5	5	4	4	4	4	5	5	5
آموزش و توانمندسازی زنان	5	4	4	5	5	4	4	3	4	5
کاهش فقر و ایجاد اشتغال	5	5	4	5	5	5	5	5	5	5
تعیین سن بلوغ متناسب با روح زمانه	5	5	5	4	4	5	5	5	5	5
افزایش آگاهی و سطح سواد خانواده و اجباری کردن تحصیلات دختران تا پایان متوسطه اول	5	5	5	4	5	5	5	5	5	5
آموزش مهارتی در مورد ازدواج سالم	5	5	5	5	5	5	5	5	4	4
آگاهی در ارتباط آسیب های کودک همسری	5	5	4	5	5	5	4	4	5	4
آگاهی و توانمندی زنان برای انتخابگر و فعال بودن	5	5	4	4	5	3	4	4	3	5
مبارزه و آگاه سازی در باره بدنامی اعتیاد	4	3	3	4	3	3	3	5	5	5
آموزش های جنسی و مقابله ای به خانواده ها	4	5	5	5	4	4	4	4	4	4
آگاهی سازی و تغییر باورهای عرفی در مستندها، فیلم ها و تبلیغات تلویزیونی و رسانه ای	5	4	5	5	5	5	5	5	5	5

12-4 یافته های استنباطی

در این بخش پژوهشگر به دنبال طراحی پرسشنامه از بین گویه های زیر می باشد. بنابراین با روش های مختلف آماری در سطح کیفی و کمی در جهت طراحی دقیق و استاندارد پرسشنامه برخورد خواهد آمد. لذا برای این کار ابتدا گویه های ذکر شده در جدول (1) را به صورت پرسشنامه بر اساس درجه لیکرت (5 گزینه ای) به ترتیب از "خیلی کم (1)، کم (2)، متوسط (3)، زیاد (4) و خیلی زیاد (5) در آورده و سپس برای اطمینان از میزان روایی صوری توسط مصاحبه شوندگان و پایایی به روش آلفای کرونباخ استفاده شد.

از آنجاییکه تحقیق حاضر شامل نظرسنجی از دانشجویان و اساتید (متخصصان) می باشد بنابراین جامعه آماری شامل متخصصان در حوزه آموزش از راه دور و دانشجویان تحصیلات تکمیلی (دکترا) بوده و به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بوده و در دو بخش نظرسنجی از اساتید و نظرسنجی از دانشجویان در نظر گرفته شده است. پرسشنامه، نخست توسط پژوهشگران تنظیم و طراحی شد. سپس این پرسشنامه ها توسط چند تن از اساتید دانشگاه ها بررسی، تصحیح و از نظر صوری مورد تأیید قرار گرفت. در مرحله بعد ابزار مورد نظر بصورت مقدماتی در بین 30 نفر از اساتید و مربیان و 30 نفر از دانشجویان

برای قابل فهم بودن ماده ها، رفع اشکالات احتمالی و محاسبه ضرایب اعتبار اجرا شد و به ترتیب روایی صوری و اعتبار ابزار تحقیق مورد تأیید قرار گرفت.

مقیاس سنجش کودک همسری از نظر متخصصان

پرسشنامه علل کودک همسری براساس مصاحبه از طریق روش دلفی ساخته شده است (محقق ساخته). پرسشنامه شامل عوامل: قانونی (سوالهای 1 تا 3)، فرهنگی - قومی (سوالهای 4 تا 7)، علل اقتصادی (سوالهای 8 تا 9)، علل مذهبی - اعتقادی (سوالهای 10 تا 11)، علل ناآگاهی (سوالات 12 تا 14)، علل خانوادگی (سوالات 15 تا 17) و علل اجتماعی (سوالات 18 تا 20) می باشد. توجه داشته باشید که پرسشنامه سوال معکوس ندارد و همه سوالات به همین ترتیب می باشد.

جدول 5: اندازه های میانگین، انحراف استاندارد و ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس های پرسشنامه

عوامل مؤثر بر کودک همسری		گونه ها		وضعیت عوامل مؤثر بر کودک همسری	
میانگین	انحراف استاندارد			میانگین	انحراف استاندارد
a = 0/73 علل قانونی					
2/88	1/08	1- وجود تبصره های قانونی برای نقض کودک همسری		3/18	0/94
1/78	0/73	2- عدم جریمه های سنگین و سیاست های قهری		2/44	0/88
2/04	0/83	3- عدم شفافیت قوانین در مقابله با کودک همسری		1/56	0/92
a = 0/76 علل فرهنگی- قومی					
2/65	0/99	4- پذیرش عرفی و چند نسلی کوک همسری		2/21	0/80
2/21	0/97	5- رسوم قومی و نشانه کردن کودکان		2/56	1/14
2/66	0/93	6- عدم حق انتخاب در مسأله ازدواج		2/46	1/09
2/47	0/89	7- مرد سالاری و تصمیم یک نفر به جای دیگران		2/07	0/87
a = 0/74 علل اقتصادی					
2/71	0/94	8- فشار فقر والدین		2/30	0/98
2/18	0/98	9- فرار از شرایط بد اقتصادی		2/36	0/92
a = 0/69 علل مذهبی - اعتقادی					
2/41	1/19	10- تعیین سن بلوغ 9 ساله برای دختران		1/86	0/83
2/33	1/13	11- تأیید ازدواج زودهنگام برای جلوگیری از گناه		2/36	0/94
a = 0/71 علل ناآگاهی					
3/51	0/77	12- آگاهی و سطح سواد پایین خانواده بخصوص مادر		2/42	0/89
2/46	0/99	13- باورهای غلط در ارتباط با ازدواج زود هنگام		2/50	0/88
1/22	0/89	14- فقر آموزشی-مهارتی در مورد ازدواج سالم		2/37	0/99

علل خانوادگی a = 0/76				
2/02	0/99	15- ازدواج فامیلی	2/33	0/94
2/41	0/91	16- ازدواج برای رفع کدورت های خانوادگی	2/71	0/98
2/67	0/91	17- ارتباط خانوادگی و منزلت خانواده	2/24	0/87
علل اجتماعی a = 0/70				
2/34	0/97	18- معضل اعتیاد	2/19	1/54
2/51	0/87	19- بدنامی و پیشگیری از انگ اجتماعی	1/84	0/90
2/90	0/86	20- هنجارهای اجتماعی	1/83	0/98

به منظور پرسشنامه سنجش از دید متخصصان، از مصاحبه و کد گذاری استفاده شد. نتایج بدست آمده در جدول (5) گزارش شده است. همچنین ضرایب پایایی بر ای نمره بعد علل قانونی (0/73)، فرهنگی- قومی (0/76)، علل اقتصادی (0/74)، علل مذهبی- اعتقادی (0/69)، علل ناآگاهی (0/71)، علل خانوادگی (0/76) و علل اجتماعی (0/70) محاسبه شد که مناسب ارزیابی می شود. لازم به ذکر است که در مطالعه حاضر محتوی پرسشنامه براساس نظرات متخصصان و اساتید آموزش از راه دور که شناخت کاملی از ویژگیهای مورد انتظار در محوریت موضوع داشتند، تهیه شد. در ادامه مدل دلفی بدست آمده از علل کودک همسری در شکل 1 نشان داده شده است:



شکل 1. مدل نهایی علل کودک همسری

پرسشنامه راهکارهای مقابله با کودک همسری براساس مصاحبه از طریق روش دلفی و پس از شناسایی علل مقابله با کودک همسری ساخته شده است (محقق ساخته). پرسشنامه شامل عوامل: قانونی (سوالات 1 تا 3)، فرهنگی- قومی (سوالات 4 تا 6)، علل اقتصادی (سوال 7)، علل مذهبی- اعتقادی (سوال 8)، علل ناآگاهی (سوالات 9 تا 10)، علل خانوادگی (سوالات 11 تا 12) و علل اجتماعی (سوالات 13 تا 15) می باشد. توجه داشته باشید که پرسشنامه سوال معکوس ندارد و همه سوالات به همین ترتیب می باشد.

جدول 6: اندازه های میانگین، انحراف استاندارد و ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس های پرسشنامه

عوامل مؤثر بر کودک همسری		گویه ها		وضعیت عوامل مؤثر بر کودک همسری	
میانگین	انحراف استاندارد			میانگین	انحراف استاندارد
راهکار قانونی					
a = 0/81					
2/98	0/27	1. غیر قانونی دانستن ازدواج زیر 18 سال		2/45	0/92
1/80	0/86	2. جریمه های سنگین و سیاست های قهری		2/44	0/98
2/58	0/70	3. شفافیت قوانین در مقابله با کودک همسری		1/56	0/92
راهکار فرهنگی-قومی					
a = 0/83					
		1. تغییر برداشت های عرفی کوک همسری			
2/56	1/12	2. آگاهی در ارتباط آسیب های کودک همسری		2/36	1/14
2/21	0/84	3. آموزش و توانمندسازی زنان		2/31	1/16
راهکار اقتصادی					
a = 0/70					
2/0	0/94	1- کاهش فقر و ایجاد اشتغال		2/32	1/03
علل مذهبی- اعتقادی					
a = 0/70					
2/12	1/13	1- تعیین سن بلوغ متناسب با روح زمانه		2/36	0/94
راهکار آگاهی					
a = 0/71					
3/36	0/87	1. افزایش آگاهی و سطح سواد خانواده و اجباری کردن تحصیلات دختران تا پایان متوسطه اول		2/30	0/92
2/0	0/94	2. آموزش مهارتی در مورد ازدواج سالم		2/36	0/86
راهکار خانوادگی					
a = 0/72					
1/94	0/99	1. آگاهی در ارتباط آسیب های کودک همسری		2/24	0/94

1/08	2/12	2. آگاهی و توانمندی زنان برای انتخابگر و فعال بودن	0/91	2/12
راهکار اجتماعی a = 0/70				
3/14	2/16	1. مبارزه و آگاه سازی در باره بدننامی اعتیاد	0/94	2/26
1/07	1/84	2. آموزش های جنسی و مقابله ای به خانواده ها	0/98	2/14
0/86	1/90	3. آگاهی سازی و تغییر باورهای عرفی در مستندها، فیلم ها و تبلیغات تلویزیونی و رسانه ای	0/79	2/12

به منظور پرسشنامه سنجش از دید متخصصان در ارتباط با راهکارهای مقابله با کودک همسری، از مصاحبه و کد گذاری استفاده شد. نتایج بدست آمده در جدول (6) گزارش شده است. همچنین ضرایب پایایی برای نمره بعد علل قانونی (0/81)، فرهنگی- قومی (0/83)، علل اقتصادی (0/70)، علل مذهبی- اعتقادی (0/70)، علل ناآگاهی (0/71)، علل خانوادگی (0/72) و علل اجتماعی (0/70) محاسبه شد که مناسب ارزیابی می شود. لازم به ذکر است که در مطالعه حاضر محتوی پرسشنامه براساس نظرات متخصصان و اساتید آموزش از راه دور که شناخت کاملی از ویژگیهای مورد انتظار در محوریت موضوع داشتند، تهیه شد. در ادامه مدل دلفی بدست آمده از علل کودک همسری در شکل 2 نشان داده شده است:

Commented [M15]: روش شناسی شما توجیح روشنی ندارد. مراحل انجام تحلیل دلفی به شکل مشخص توضیح داده نشده است. مقیاس سازی در کجای اهداف تحقیق شما بود؟ سوالات از متخصصان را بایستی بیاورید. خلاصه نظرات کارشناسان به قول شما بایستی در طرح بایید تا مشخص شود که چگونه مفهوم سازی شده اند.



شکل 1. مدل نهایی راهکارهای کودک همسری

فصل پنجم:

بحث، نتیجه‌گیری

Commented [M16]: نتیجه‌گیری کلی، کلیشه‌ای، فاقد اکتشاف نو است که با توجه به اشکالات فوق عملاً انتظار زیادی هم از آن نمی‌رود.

پژوهش حاضر با هدف بررسی علل و راهکارهای کودک همسری در استان اردبیل انجام شد و نتایج به روش کمی و کیفی به استخراج هفت عامل قانونی، فرهنگی-قومی، اقتصادی، مذهبی-اعتقادی، علل آگاهی و سواد عمومی، علل خانوادگی و اجتماعی منجر شد. در بخش کیفی مدل دلفی نهایی متشکل از هفت بعد عنوان شده برای علل و راهکارهای مقابله با کودک همسری انجامید که پرونداد آن ساخت دو پرسشنامه علل کودک همسری و راهکارهای مقابله با کودک همسری بود. در ادامه به تشریح ابعاد خواهیم پرداخت.

1-4- بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش به شناسایی و استخراج هفت عامل مؤثر قانونی، فرهنگی-قومی، اقتصادی، مذهبی-اعتقادی، آگاهی و سواد عمومی، علل خانوادگی و اجتماعی و و راهکار با کودک همسری منجر شد. در ادامه علل و راهکار مقابله با هر معضل تشریح خواهد شد:

1-1-4 بعد قانونی

بعد قانونی از ابعاد اساسی است که عملاً قانون‌گذار اجازه رفتاری را صادر می‌کند و از ریشه‌ای‌ترین مباحث در حیطه کودک همسری است. یک مرد و یک زن، که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته‌اند و به طور کلی عمل آنان مورد پذیرش قانونی قرار گرفته است (تیلر، 1388). سن شروع پیوند جنسی (ازدواج) در جوامع مختلف، بین زن و مرد کاملاً فرق می‌کند. عوامل مؤثر در سن ازدواج عبارتند از: سن بلوغ، مقررات دینی و مذهبی، آداب و سنن، فرهنگ جامعه، قوانین و مقررات اجتماعی، وضع اقتصادی، نوع شغل، میزان تحصیلات و جنسی فرد. عامل مهم دیگری که در سن ازدواج مؤثر است، نظام خانواده است. سازمان بهداشت جهانی سن ازدواج را 18 سال مشخص کرده که زیر این سن کودک همسر بحساب می‌آید. صاحب‌نظران مؤلفه‌های وجود تبصره‌های قانونی برای نقض کودک همسری، عدم جریمه‌های سنگین و سیاست‌های قهری، عدم شفافیت قوانین در مقابله با کودک همسری و قانونی بودن ازدواج زیر 18 سال از علل اساسی کودک همسری عنوان کردند که ریشه در قوانین دارد و راهکار مقابله با آن را

شفافیت قوانین در مقابله با کودک همسری، جریمه های سنگین و سیاست های قهری، غیر قانونی دانستن ازدواج زیر 18 سال عنوان کردند.

2-1-4 بعد بومی-فرهنگی

از دیگر ابعاد مهم در زمینه کودک همسری، بعد بومی فرهنگی است که عدم حق انتخاب در مسأله ازدواج، رسوم قومی و نشانه کردن کودکان در سن پایین، پذیرش عرفی و چند نسلی کوک همسری و نظام مرد سالاری و تصمیم یک نفر به جای دیگران را علل بومی فرهنگی شناسایی شدند و آموزش و توانمندسازی زنان، آگاهی در ارتباط آسیب های کودک همسری و تغییر برداشت های عرفی کوک همسری راهکارهایی مفید در کاهش کودک همسری عنوان شدند. فرهنگ متاناب با تاریخچه زیستی اقوام مختلف الگوهایی را با خود دارد که این الگو ها در موقعیت هایی پاسخگو و پذیرفته شده بودند. اما امروزه با گسترش شبکه های جمعی و رسانه ای فرهنگ ها در برابر همدیگر صف آرایی می کنند و امکان آسیب شناسی مسائل درون فرهنگی و برهم خوردن ساختارهای سنتی را فراهم آورده است. لذا اهرم هایی در فرهنگ سنتی وجود دارد که قوام بخش کودک همسری است که آگاهی، توانمندسازی و تغییر در ادراکات فرهنگی در قبال کودک همسری می تواند به کاهش کودک همسری بیانجامد

3-1-4 بعد اقتصادی

یکی از عوامل تأثیرگذار در کودک همسری ضعف اقتصادی و فشار مالی بر خانواده و کودکان است که بنا بر فشارهای وارد شده گاه والدین تصمیم می گیرند هرچه زودتر فرزند خود را به خانه بخت بفرستند تا از بار فشارهای مالی کم کنند. در چنین بافتی که نیازهای اولیه به سختی تأمین می شوند امکان ریسک هایی از جمله کودک همسری وجود دارد. ایجاد اشتغال و بهبود وضعیت مالی می تواند میزان کودک همسری در خانواده های فقیر را کاهش دهد. افراد درگیر فقر شدید درگیر نیازهای بقاعی می شوند و در این جایگاه امنیت بسیار پایین است و گاه ازدواج زودهنگام فرزندان را به نفع خود و فرزند می بینند و این عدم توان حمایتی والدین ممکن است موضوعات دیگری چون خشونت خانگی را نیز برای کودک همسر به دنبال داشته باشد که چنین خانواده های نیازمند حمایت های مالی و آموزشی خواهند بود.

4-1-4 بعد اعتقادی مذهبی

در کشور ما ازدواج زودرس تا حد زیادی با دین و مذهب آمیخته است و یکی از مباحث و چالش های ازدواج زود هنگام سن بلوغ 9 ساله برای دخترهاست که تعیین چنین سنی مباحثات بسیاری را به دنبال داشته است. لذا بسیاری از علمای مذهبی سن را متناسب با روح زمانه بکار می برند و معتقدند برای دختر امروز سن می تواند بالاتر از سن 9 سال باشد. لذا برخی با بهره گیری از این رنج سنی توجیهی برای کودک همسری می یابند که می توان از منظر امروزی به این مسأله نگاه کرد و از آسیب های کودک همسری جلوگیری کرد. از سویی عده ای ازدواج زود هنگام را مانع از به گناه افتادن می دانند که در صورتی تربیت سالم و مناسبی پیش گرفت نیاز به چنین تصمیمات عجولانه ای نخواهد بود و چنین نگرش و آموزش هایی می تواند در این زمینه ارزشمند باشد.

4-1-5 بعد آگاهی

ناآگاهی و بی سوادی شاهراه بسیاری از آسیب هاست. آگاهی و سطح سواد پایین خانواده بخصوص مادر، باورهای غلط در ارتباط با ازدواج زود هنگام و فقر آموزشی-مهارتی در مورد ازدواج سالم مهمترین علل کودک همسری شناسایی شدند و افزایش آگاهی و سطح سواد خانواده و اجباری کردن تحصیلات دختران تا پایان متوسطه اول و آموزش مهارتی در مورد ازدواج سالم می تواند به بینش عمیق تری نسبت به ازدواج فرزندان ایجاد کند و نهایتاً مانع از اقدامات نابجایی مانند کودک همسری شود. آموزشهای متفاوتی از طریق رسانه، مدرسه و نهادهای مرتبط با سلامت روان می تواند انجام پذیرد. آگاهی امکان پیش بینی و تصمیم درست را فراهم می کند و امکان رشد فرزندان را در بر خواهد داشت.

4-1-6 بعد خانوادگی

خانواده تصمیم گیرنده اصلی و ساختار پذیرنده یا رد کننده کودک همسری است. در ساختار سنتی روابطی شکل گرفته و مزایایی جمعی وجود دارد که بنابر این ارزش ها و مزایا والدین در مورد فرزندان تصمیم هایی می گیرند که در تمام آینده فرزند خود نقش دارند. ازدواج فامیلی، ازدواج برای رفع کدورت های خانوادگی و ارتباط خانوادگی و منزلت خانواده منجر می شود که والدین بنا بر ملاحظات خانوادگی و بین فردی تصمیماتی در کودکان بگیرند و آنان را به ازدواج زود هنگام مجبور کنند. در این بین آگاهی و توانمندی زنان برای

انتخابگر و فعال بودن و آگاهی در ارتباط آسیب های کودک همسری می تواند به گسترش نگاه در ارتباط با کودک همسری منجر شود.

7-1-4 بعد اجتماعی

کودک همسری می تواند ناشی از برخی معضلات اجتماعی از جمله اعتیاد والدین باشد که والد معتاد بخاطر بیماری اعتیاد و مصرف مواد در شرایط روانی بدی قرار دارد و این بین فرزندان ممکن است قربانی تصمیمات والد بیمار شوند. از دیگر معضلات اجتماعی بدنامی است که والدین در چنین شرایطی با جاری کردن خطبه عقد از آبرو ریزی و انگ اجتماعی فرار می کنند و همچنین هنجارهایی که از کودک همسری حمایت می کند نیز به شیوع کودک همسری خواهد انجامید. در این بین رسالت رسانه در مبارزه و آگاه سازی در باره اعتیاد، آموزش های جنسی و مقابله ای و آگاهی سازی در راستای تغییر باورهای عرفی در مستندها، فیلم ها و تبلیغات تلویزیونی از اهمیت بالایی قرار دارد. در واقع آسیب های اجتماعی نیاز به دانش و آگاهی های عمومی برای توانمند سازی و مقابله با این معضلات را دارد. بنابراین ابعاد اجتماعی می توانند در شیوع مودک همسری نقش ایفا کنند.

2-4- محدودیت های پژوهش

روش این پژوهش آمیخته بود که داده های کیفی به روش دلفی جمع آوری شد که بنا به ماهیت این روش، از تجربه زیسته زنان کودک همسر استفاده نشده است.

این پژوهش در ارتباط با استان اردبیل صورت گرفته و در تعمیم یافته ها باید احتیاط کرد.

3-4- پیشنهاد های پژوهش

1-3-4 پیشنهاد های کاربردی

مدل نهایی پژوهش حاضر عوامل موثر در کودک همسری و راهکارهای مقابله با آن را از نظر متخصصان ارائه می دهد که این نتایج می تواند در برنامه های کلان نهادهای مختلف از جمله سازمان بهزیستی، دادگستری و قوه قضائیه، نمایندگان مجلس، نهادهای اجتماعی، نهاد زنان ریاست جمهوری، مشاوران، مددکاران و روانشناسان مورد بررسی قرار گیرد.

مدل نهایی پژوهش حاضر عوامل موثر در کودک همسری و راهکارهای مقابله با آن را از نظر متخصصان ارائه می دهد که ظرفیت عملیاتی شدن برای مقابله با کودک همسری توسط نهادهای مرتبط را خواهد داشت.

مدل نهایی پژوهش حاضر عوامل موثر در کودک همسری و راهکارهای مقابله با آن را از نظر متخصصان ارائه می دهد که خط مشی رسانه برای آگاه سازی و مشاوران و جامعه شناسان برای شناسایی ابعاد و مداخله در کودک همسری را تسهیل خواهد کرد.

2-3-4- پیشنهاد های پژوهشی

- در پژوهش حاضر از روش دلفی استفاده شد ولی پیشنهاد می شود به روش پدیدارشناسی تجربه زیسته دختران کودک همسر مورد بررسی قرار گیرد.
- پیشنهاد می شود تجربه زیسته دختران کودک همسر بصورت طولی مورد بررسی قرار گیرد تا در یک مطالعه طولی فرایند کودک همسری روشن گردد.
- پیشنهاد می شود پیامدهای کودک همسری در زنان کودک همسر استان اردبیل مورد بررسی قرار گیرد.
- پیشنهاد می شود از پرسشنامه ساخته شده در پژوهش حاضر برای شناسایی ابعاد کودک همسری در مطالعات مختلف استفاده شود تا پیشایندها، تعدیلگرهای مؤثر در کودک همسری مورد واکاوی قرار گیرد.

منابع و مأخذ

- ابراهیمی، ح و فخرایی، س (1392). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با ازدواج زودرس در شهرستان نقده. مطالعات جامعه‌شناسی. 6(21). 93-110.
- اعزازی، ش. (1386). جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- آبدخت، ح. (1389). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر بالا رفتن سن ازدواج در بین دختران شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- آزادارمکی، ت. (1386). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: انتشارات سمت.
- آشفته‌تهرانی، ا. (1385). آمارهای زیستی در ایران و جهان. فصلنامه جمعیت. سازمان ثبت احوال. شماره 15 و 16.
- بابایی، م. (1389). جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج. ترجمه ف اردلان. تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- بیات، ع (1392). رابطه‌ی حمایت اجتماعی ادراک شده و مشکلات عاطفی با احتمال وقوع طلاق در زوجین متعارض. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر.
- پسندیده، ع. (1391). رضایت زناشویی، قم: دارالحديث. چاپ اول
- تنهایی، ح (1382). جامعه‌شناسی نظری، تهران انتشارات بهمن برنا.
- تیلر، ه (1388). باروری و جمعیت. ترجمه ز انصاری. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دژکام، م. (1388). روان‌شناسی ازدواج. تهران: منشاء دانش
- دوکانه ای فرد، فریده؛ عباسی، سمیه؛ سلطان تبار، محدثه؛ صدیقی، فائزه و نوروزی، اعظم. (1394). بررسی رابطه هوش هیجانی با رضایت زناشویی در میان دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی، 4(14). 74-88.

دهقانی، م و اسماعیلیان، ن (1395). ویژگی‌های شخصیتی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و کارکرد خانواده در زوجین متقاضی و غیرمتقاضی طلاق. فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال دوازدهم/شماره 48؛ صص 575-592.

ریاحی، م؛ علیوردی نیا، ا، بهرامی کاکاوند، س (1386). تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق، مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه. پژوهش زنان، 5(3)، 109-140.

ساروخانی، ب (1381 الف). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش.

ساروخانی، ب (1381 ب). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سایت رسمی سازمان ثبت احوال کشور (1396). <https://www.sabteahval.ir/Default.aspx>.

سعیدی، س (1396). بررسی مردم‌نگارانی پدیده‌ی ازدواج زود هنگام در میان مهاجران افغان (قوم هزاره) در دو شهر هامبورگ (آلمان) و تهران (ایران). پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران. دوره‌ی 7، شماره‌ی 1، صص 73-93.

شاهی، ا؛ غفاری، ع؛ قاسمی، خ (1391). ارتباط بین سلامت ذهنی و رضایت زناشویی زوجین، مجله بهبود، 15 (1)، 119-126.

صادقی فسایی، س و ایثاری، م (1393). مطالعه جامعه‌شناختی سنخ‌های طلاق. مجله مسایل اجتماعی ایران، سال ششم، شماره 1.

صدرالاشرافی، م؛ خنکدارطراسی، م؛ شمخانی، ا و یوسفی افراشته، م (1391). آسیب‌شناسی طلاق (علل و عوامل) و راهکارهای پیشگیری از آن. فصلنامه‌ی مهندسی فرهنگی، 7 (73 و 74)، 26-53.

صفوی، ح و مینایی، م (1394). تجربه‌ی زیسته‌ی دختران نوجوان در نقش همسر (مطالعه‌ی ازدواج زود هنگام دختران آران بیدگل). ویژه‌نامه‌ی پژوهش‌نامه‌ی زنان. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال ششم، شماره‌ی اول، صص 87-106.

فتحی پور، م (1394). بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد روسپی‌گری و آسیب‌های اجتماعی آن. همایش ملی روان-شناسی و مدیریت آسیب‌های اجتماعی، چابهار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار.

فرهنگ عمید. چاپ چهارم. تهران: 1373، انتشارات امیر کبیر.

قدسی، م، احمد بر آبادی، ح، حیدرنیا، ا، (1397). اثربخشی روایت درمانی بر کاهش طلاق و مولفه‌های آن در زنان با ازدواج زودهنگام. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی. سال نهم، شماره 33، صص 73-98.

گلدنبرگ، ا و گلدنبرگ، ه. (2000). خانواده درمانی. ترجمه حسین شاهی برواتی و سیامک نقش بندی (1392). چاپ سیزدهم، تهران: نشر روان.

مقدادی، م و جوادپور، م (1396). تاثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازو کارهای مقابله با آن. فصلنامه حقوق پزشکی. 11 (40). 33-58.

نظری، ع. (1393). مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی. چاپ سی یکم، تهران: علم

Amato, P. R & Rogers, S. J. (1997). A longitudinal study of marital problems and subsequent divorce. *Journal of Marriage and the Family*, 612-624.

Amato, P. R.; Marriott, B. H. (2016). "A Comparison of high-and low Distress Marriages that end in Divorce". *Journal of Marriage and Family*. 69(2): 621-638.

Baker, L. R. , & McNulty, J. K. (2011). Self-compassion and relationship maintenance: The moderating roles of conscientiousness and gender. *Journal of Personality and Social Psychology*, 100 (5) , 853-873 .

Bernardi, F.& Pastor J.I. M (2010). Divorce risk factors and their variation over time in Spain. *Demographic research*. A peer-reviewed, open-access journal of population sciences. Vol. 24, pp 771-800.

Campbell, M. A. (2009). How selected personality factors affect the relationships between marital satisfaction, sexual satisfaction and infidelity. Unpublished doctoral dissertation. Louisiana Tech University .

Clark ,L. E. (2010). Marital satisfaction, pain and psychological characteristics of married women with and without Vulvodynia. Unpublished doctoral dissertation. North central University ,Arizona .

David, W. C.; Jack, C. (2007). "The Impact of Divorce on the Family". *Journal of Child Psychiatry and Human*. 2, 78-83.

Davis A, Postles C, Rosa G. A Girl's Right to Say No to Marriage: Working to End Child Marriage and keep Girls in Schools. United Stated: Published by Plan Limited (is

a wholly owned subsidiary of Plan International); 2013. p.6-55. Available at: <http://www.planbelgie.be/sites/default/files/user>.

Dimkpa ,D. I. (2010). Marital adjustment roles of couples practicing child adoption. *European Journal of social sciences*, 13 ,194 – 200 .

Duncan ,G. D. (2008). The relationship between trait forgiveness and marital adjustment in heterosexual individuals. Unpublished doctoral dissertation. Capella University .

Fivush, R. Bohanek, J. G. & Zaman, W. (2011). Personal and intergenerational narratives in relation to adolescents' well-being. *New directions for child and adolescent development*, 2011(131), 45-57.

Frost, D. M. (2013). The narrative construction of intimacy and affect in relationship stories: Implications for relationship quality, stability, and mental health. *Journal of Social and Personal Relationships*, 30(3), 247-269.

Gilbert, P & Procter, S (2006). Compassionate mind training for people with high shame and selfcriticism: A pilot study of a group therapy approach.) *Clin Psychol Psychother.* (13): 353-379

Glick, I. D. (2003)." Understanding the Functional Family". In I.D. Glick (Ed). *Marital and Family Therapy*, 57- 81.

Harway, M. (2011). *Handbook of Couples Therapy*. Hoboken. New Jersey.

Hollman, T. B.; Jarvis, M. O. (2013). "Hostile, Volatile, Avoiding and Validating. Couple-Conflict types: An Investigation of Gottman's Couple Conflict types", *Personal Relationship*, 10(2), 267- 282.

Jian , K. (2010). Marital characteristics and marital satisfaction: comparison of Indian and American couples. Unpublished doctoral dissertation, Kean University .

Kessler, R. C.; Walter, E. E.; forthofer, M. S. (2007). "The Social Consequences of Psychiatric Disorders. Probability of Marital stability". *American Journal of Psychiatry*, 407(2): 1092-1096.

Kettrey, H. H.; Emery, B. C. (2006). "Communication styles and Marital Satisfaction in Israeli and American Couples", *Journal of family Violence*. 6(3): 400-407.

Krieger, T. , Altenstein, D. , Baettig, I. , Doerig, N. , & Holtforth, M. G. (2013). Self passion in depression: Associations with depressive symptoms, rumination, and avoidance in depressed outpatients. *Behavior Therapy*, 44 (3) , 501-513 .

Kurdek, L. A. (2008). "The Nature and Predictors of the Trajectory of change in Marital Quality for Husbands and Wives over the first 10 years of Marriage". *Developmental Psychology*, 35 (5):1283-1296.

Leyro, T. M. , Zvolensky, M. J. , & Bernstein, A. (2010). Distress tolerance and psychopathological symptoms and disorders: a review of the empirical literature among adults. *Psychological Bulletin*, 136 (4) , 576 .

Lloyd , J. R. (2009). Parenting style and marital adjustment: An Exploratory Study. Unpublished doctoral dissertation. The Ohio State university .

McLain, D. L. , Kefallonitis, E. , & Armani, K. (2015). Ambiguity tolerance in organizations: definitional clarification and perspectives on future research. *Frontiers in psychology*, 6 .

Mitchell, M. A. , Riccardi, C. J. , Keough, M. E. , Timpano, K. R. , & Schmidt, N. B. (2013). Understanding the associations among anxiety sensitivity, distress tolerance, and discomfort intolerance: A comparison of three models. *Journal of Anxiety Disorders*, 27 (1) , 147-154 .

Myers J, Harvey R. *Breaking Vows: Early and Forced Marriage and Girls' Education*. London: Published by Plan (International UK). 2011. p.2. Available at: <http://www.planuk.org/resources/documents/Breaking-Vows-Early-and-Forced-Marriage-and-Girls-Education/>.

Rusbult, C. E. Johnson, D. J. & Morrow, G. D. (1986). Impact of couple patterns of problem solving on distress and nondistress in dating relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 50(4), 744-753.

Sevinc, M.; Sibel Garip, E. (2016). "A Study of Parents' Child Raising Styles and Marital Harmony", *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2(3): 1648 – 1653.

Singh S. R. Samara. (2009). "Early marriage Among Women in Developing Countries", *International Family Planning Perspectives*. 22 (4): 148-175.

Skaldemen, P. (2012). "Converging or Diverging Views of Self and Other'. Judgment of Relationship Quality in Married and Divorced Couples", *Journal of Divorce & Remarriage*, 39(3): 44, 55.

Skerrett, K. (2010). "Good Enough Stories": Helping Couples Invest in One Another's Growth. *Family process*, 49(4), 503-516.

Torabi, F., & Baschieri, A. (2010). Ethnic differences in transition to first marriage in Iran: the role of marriage market, women's socio-economic status, and process of development. *Demographic Research*, 22, 29.

United Nations (2013). Secretary-General's Report to the General Assembly. A/36/215,

United Nations Population Fund & United Nations Children's Fund. Mapping of initiatives to End Child Marriage in South Asia; 2016. p.4-14. Available at: <http://nepal.unfpa.org/sites/asiapacific/Files>.

Van Zantvliet, P. I., Kalmijn, M., & Verbakel, E. (2014). Parental involvement in partner choice: The case of Turks and Moroccans in the Netherlands. *European Sociological Review*, 30(3), 387-398.

Waring, E. M. (2013). *Enhancing Marital Intimacy through Facilitating Cognitive Self-Disclosure*. Routledge Publication.

پیوست‌ها و ضمائم

پرسشنامه عوامل مؤثر بر کودک همسری

وضعیت موجود در ارتباط با کودک همسری					تأثیر بر کودک همسری						عوامل
خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
					تأچه میزان هر کدام از موارد زیر بر کودک همسری تأثیر می گذارد؟						قانونی
					وضعیت هر یک از عوامل زیر در کودک همسری چقدر است؟						
					وجود تبصره های قانونی برای نقض کودک همسری						
					عدم جریمه های سنگین و سیاست های قهری						
					عدم شفافیت قوانین در مقابله با کودک همسری						
					قانونی بودن ازدواج زیر 18 سال						فرهنگی
					پذیرش عرفی و چند نسلی						

					کوک همسری						- قومی
					رسوم قومی و نشانه کردن کودکان						
					عدم حق انتخاب در مسأله ازدواج						
					مرد سالاری و تصمیم یک نفر به جای دیگران						
					کاهش فشار فقر والدین						علل
					فرار از شرایط بد اقتصادی						اقتصادی
					تعیین سن بلوغ 9 ساله برای دختران						مذهبی
					تأیید ازدواج زودهنگام برای جلوگیری از گناه						اعتقادی
					آگاهی و سطح سواد پایین خانواده بخصوص مادر						ناآگاهی
					باورهای غلط در ارتباط با ازدواج زودهنگام						
					فقر آموزشی-مهارتی در مورد ازدواج سالم						
					ازدواج فامیلی						خانوادگی
					ازدواج برای رفع کدورت های خانوادگی						ی
					ارتباط خانوادگی و منزلت خانواده						
					معضل اعتیاد						اجتماعی
					بدنامی و پیشگیری از انگ اجتماعی						
					هنجارهای اجتماعی						

پرسشنامه راهکارهای مؤثر در مقابله با کودک همسری

وضعیت موجود در ارتباط با کودک همسری					تأثیر بر کودک همسری	عوامل				
خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
					غیر قانونی دانستن ازدواج زیر 18 سال					قانونی
					جریمه های سنگین و سیاست های قهری					
					شفافیت قوانین در مقابله با کودک همسری					
					تغییر برداشت های عرفی کوک همسری					فرهنگی - قومی
					آگاهی در ارتباط آسیب های کودک همسری					
					آموزش و توانمندسازی زنان					
					کاهش فقر و ایجاد اشتغال					علل اقتصادی
					تعیین سن بلوغ متناسب با روح زمانه					مذهبی اعتقادی
					افزایش آگاهی و سطح سواد خانواده و اجباری کردن تحصیلات دختران تا پایان متوسطه اول					ناآگاهی
					آموزش مهارتی در مورد ازدواج سالم					
					آگاهی در ارتباط آسیب های کودک همسری					
					آگاهی و توانمندی زنان برای انتخابگر و فعال بودن					خانوادگی
					مبارزه و آگاه سازی در باره بدنامی اعتیاد					
					آموزش های جنسی و مقابله ای به خانواده ها					

					آگاهی سازی و تغییر باورهای عرفی در مستندها، فیلم ها و تبلیغات تلویزیونی و رسانه ای							
--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--

Abstract

The aim of this study was to investigate the causes of child marriage and ways to deal with it. The research method was mixed in which the Delphi method was used in the qualitative part and the Cronbach's alpha coefficient was used in a small part. The statistical population of the study included all specialists in the field of family and sociology in 1398. The research sample was selected in the quantitative section of 46 specialists and in the qualitative section of 10 specialists by targeted sampling method. The tools used in this study were a researcher-made questionnaire on the causes of child marriage and strategies for dealing with child marriage. The results showed that quantitative and qualitative results led to the extraction of seven legal, cultural-ethnic, economic, religious-religious factors, causes of public awareness and literacy, family and social causes. In the qualitative section, the final Delphi model consisted of the seven dimensions mentioned for the causes and strategies of coping with the spouse child, which resulted in the construction of two questionnaires on the causes of spousal child and strategies for coping with spousal child.

Keywords: Causes of spousal child, Strategies for coping with spousal child.

Final Report of Research Project
to investigate the causes of child marriage and ways to
deal with it.

Researcher

Esmael Sadri Dimarchi

Davod Fathi

Sayed Javad Saifi

Department of

Faculty of

This Research Project Has Been Financially Supported by the Office of
Vice Chancellor for Research

2019-2020